

## عفاف فاطمی



محمد تقی صرفی پور



## مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد مصطفی و آل طاهرینش

یکی از ارزشهای خیلی مهم در اسلام و در ادیان الهی، اهمیت است که خداوند برای پاکدامنی و عفاف انسان ها قائل است.

خداوند وقتی می خواهد حضرت مریم را معرفی کند می فرماید او پاکدامن است:

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

(تحریم ایه 12)

مریم دختر عمران که پاکدامن بود....

یا وقتی می خواهد خصوصیات مومن را بیان فرماید یکی از خصوصیات او را پاکدامنی ذکر می کند:

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ

(مومنون ایه 5)

انان که پاکدامند..

همچنین در سوره احزاب ایه ۳۵ یکی از اوصاف مومنین و مومنات را

..پاکدامنی ذکر کرده. والحافظین فروجهم و الحافظات

یا اینکه جناب یوسف نبی به خدا عرض می کند من زندان برم بهتر از

این است که با این زنهارتباط برقرار کنم!

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ

أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ

(یوسف ایه 33)

یوسف گفت: ای خدا، مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که

اینان از من تقاضا دارند و اگر تو حيله این زنان را از من دفع نفرمایی به

آنها میل کرده و از اهل جهل (و شقاوت) گردم

و این نشان می دهد که ادم پاکدامن پیش خدا عزیز و ادم ناپاک پیش خدا ذلیل است.

حضرت فاطمه زهرا(س) به مقامی رسیدند که خداوند رضایت فاطمه را رضایت خود و غضب فاطمه را غضب خود اعلام کردند.

و این نشان می دهد خصوصیتی در فاطمه زهرا(س) بوده که باعث شده به این مقام بی نظیر برسند. یکی از انها عفاف عظیم فاطمه زهرا(س) بوده است. خداوند افراد پاکدامن را دوست دارد لذا یکی از مهم ترین ویژگی های فاطمه زهرا(س) پاکدامنی و عفاف عظیم و بی نظیر بوده است. مانند اینکه در مقابل نایینا، حجاب داشتند. یا اینکه بهترین چیز برای یک زن را ندیدن نامحرم می دانستند. یا اینکه برای تشییع جنازه خود تابوتی که همه بدن را بپوشاند سفارش دادند و تاکید داشتند هنگام غسل و کفن ایشان نامحرمی نباشد و شب ایشان را تشییع و دفن نمایند و....

اگر همه دختران و زنان مسلمان از عفاف فاطمه زهرا(س) پیروی کنند جامعه اسلامی از بسیاری از آسیب ها مانند بالا بودن طلاق و پایین بودن ازدواج و بالا بودن روابط نامشروع بین جوانان و غیره در امان خواهد بود. ما در این کتاب پیرامون ابعاد مختلف عفاف فاطمی و عوامل تاثیر گزار در عفاف مطالب متنوعی ذکر نموده ایم.

ایام فاطمیه دوم. 1403. کرمانشاه

## حجاب گرفتن از مرد نابینا

امام موسی کاظم(ع) به نقل از امیرالمؤمنین، علی(ع) حکایت می فرمایند

روزی حضرت فاطمه(ع) نزد پدرش، رسول اکرم(ص) بود، که مردی نابینا وارد شد؛ و در این هنگام حضرت فاطمه(س) خود را مخفی کرد

:هنگامی که مرد نابینا خارج شد، حضرت رسول اکرم(ص) فرمود

«لِمَ حَجَبْتِيهِ وَهُوَ لَا يَرَاكَ؟

ای فاطمه(س)! چرا حجاب گرفتی درحالی که آن مرد نابینا بود؟

حضرت فاطمه(س) جواب داد

«إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَهُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ

اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من او را می بینم، و اینکه او بوی زن را  
استشمام می کند. (۱)

چیزی که برای بانوان بهتر است

حضرت فاطمه (س) می فرماید

«خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ

بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز  
(مورد مشاهده مردان قرار نگیرد. (۲)



## تقسیم کار

امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) از رسول خدا(ص) خواستند تا در تقسیم امور خانواده بین آن دو قضاوت کند.

فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ(س) بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلَى عَلِيٍّ(ع) بِمَا خَلْفَهُ

رسول اکرم(ص) نیز کارهای مربوط به درون خانه را برای فاطمه(س) و کارهای بیرون خانه را برای علی(ع) تعیین کرد.

حضرت فاطمه(س) فرمود

فَلَا يَعْلَمُ مَا دَخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) تَحْمِلَ أَرْقَابِ  
الرَّجَالِ

جز خدا کسی نمی داند که من چقدر از این تقسیم خوشحال شدم زیرا از  
شانه به شانه شدن با مردان بیگانه نجات یافتم و مشکل برخورد با مردان  
(نامحرم از دوشم برداشته شد). (۳)

## نگرانی حضرت فاطمه(س)

در روایتی از اسماء نقل شده است که در روزهای آخر عمرشان حضرت فاطمه(س) خطاب به اسماء فرمود

أَلَا تَرَيْنِ إِيَّايَ مَا بَلَغْتُ؟ فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سَرِيرٍ ظَاهِرٍ

آیا نمی بینی من در چه حالی هستم؟ مبادا مرا روی تخته ای بگذارید که  
جنازه ام ظاهر باشد.

اسماء گفت

«إِلَّا لَعَمْرِي وَلَكِنْ أَصْنَعُ نَعْشًا كَمَا رَأَيْتُ يُصْنَعُ بِالْحَبَشَةِ

نه! به جان خودم قسم! بلکه نظیر آن تابوتی را برای تو درست می کنم  
که در حبشه دیده بودم.

فاطمه(س) فرمود: پس نمونه ی آن را به من نشان بده

پس؛

فَأَرْسَلْتُ إِلَى جَرَائِدَ رَطْبِهِ فَقُطِّعَتْ مِنَ الْأَسْوَاقِ ثُمَّ جَعَلْتُ عَلَى السَّرِيرِ  
«نَعْشًا وَهُوَ أَوَّلُ مَا كَانَ النَّعْشُ فَتَبَسَّمْتُ وَ مَا رُئِيتُ مُتَبَسِّمَةً إِلَّا يَوْمَئِذٍ

اسماء فرستاد تا از بازار شاخه های تازه ی خرما آوردند

آنگاه آن تابوتی را که در حبشه دیده بود ساخت و آن اولین تابوتی بود  
که ساخته شد.

حضرت فاطمه(س) پس از دیدن آن تابوت خندان و شاد شد و هیچ  
وقت غیر از آن موقع خندان نشده بود.(۴)

در روایتی دیگر آمده که حضرت(س) وقتی تابوت را مشاهده نمود،  
فرمود

«أَسْتَرِينِي! سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ

حجم بدنم را بپوشان که خداوند متعال بدن شما را از آتش دوزخ مستور  
(گرداند).(۵)

## خطبه خواندن در نهایت عفاف و حجاب

بعد از غصب فدک توسط غاصبان، و ماجرای دردناک هجوم به خانه حضرت فاطمه (س)، حضرت (س) وارد مسجد پیامبر (ص) شد و برای مهاجر و انصار خطبه خواند.

ایشان در قالب سه حجاب وارد مسجد شدند و در انتظار عموم قرار گرفتند.

حجاب ظاهری ایشان با استفاده از خمار و جلباب (۱)

که در منابع آمده است

«لَا تَخْمَرُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا

حضرت زهرا(س) خمار را به سر کردند و آن پوشش سراسری را هم  
طوری بر سر افکندند که محیط بر تمام بدن ایشان بود

(.خمار: روسری ای که روی گردن و سینه را کاملاً می پوشاند)

جلباب: نوعی پوشش سراسری بوده که روی لباس ها می پوشیده اند. )  
(.شاید چیزی شبیه عباى امروز یا پیراهن بلند عربى باشد

حجاب پیکره ی ظاهری حضرت(س) به وسیله جماعت زنان(۲)

«وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءٍ مِنْ قَوْمِهَا

حضرت فاطمه(س) در میان گروهی که به اصطلاح هم سن یا هماهنگ یا از یاران و اعوان و خویشاوندان ایشان بودند حرکت می کردند، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می شد

حجاب به واسطه پرده ای که میان زنان و مردان نصب شد(۳)

«فَنِيَطَتْ دُونَهَا مُلَاءَةً»

(سپس میان حضرت(س) و مردم پرده ای نصب شد.(۶)



## منابع:

بحار الأنوار مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۱ (۱)

بحار الأنوار مجلسی، ج ۴۳، ص ۵۴ (۲)

بحار الأنوار مجلسی، ج ۴۳، ص ۸۱ (۳)

كشف الغمّه اربلی، ج ۱، ص ۵۰۳ (۴)

تهذيب الاحكام طوسی، ج ۱، ص ۴۶۹ (۵)

بحار الانوار مجلسی، ج ۲۹، ص ۲۳۶ (۶)

در روایات اهمیت فوق العاده حضرت فاطمه سلام الله علیها به عفاف و حجاب ذکر شده است از طرفی در روایات آمده که

حضرت فاطمه سلام الله علیها در اجتماع حضور فعالی داشتند. چه در دفاع از ولایت و چه در سخنرانی در مسجد در حضور اصحاب پیامبر خدا(ص) و چه حضور در بین خانواده شهدا و پرستاری از مجروحین جنگها و غیره... حضرت امام می فرمود نهضت ما مدیون حضور زنان است.

همچنین در دفاع مقدس هم حضور زنان بسیار موثر بود.. الان هم در پیشرفت نظام اسلامی زنان نقش خیلی مهمی دارند.

و این نشان می دهد که اسلام به هیچ وجه با حضور زنان در عرصه های مختلف جامعه اسلامی مخالفتی ندارد فقط یک شرط اسلام برای حضور زن در جامعه گذاشته است و آن به شرط حفظ حجاب و عفاف

لذا در جواب سوال اینکه آیا زن می تواند هنرپیشه شود یا ورزشکار .. باشد یا سیاستمدار باشد یا...مراجع تقلید پاسخ داده اند اشکال ندارد

**بشرط حفظ عفاف و حجاب**

## حدیث معراج

علی بن عبد الله الورّاق، از عبد العظیم حسنی، از امام جواد علیه السلام « روایت کرده که گفت: پدرم به واسطه آباء گرامش از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرد که فرمود: من و فاطمه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم. پس ایشان را در حالی که سخت می گریست؛ یافتیم. من عرض کردم: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله! چه باعث شده که شما این چنین گریه می کنید؟ در پاسخ فرمود: ای علی! شبی که مرا به آسمان بردند (یعنی معراج) زنانی از امتم را در عذابی شدید، نگریستم و آن وضع برای من سخت گران آمد. گریه ام از جهت عذاب سخت آنان است که به چشم خویش وضعشان را دیدم (شرح واقعه بدین قرار است):

زنی را به مویش در دوزخ، معلّق، آویخته بودند که مغز سر او می جوشید. زن دیگری را دیدم که به زبانش در جهنّم آویزان بود و آتش در حلقوم او می ریختند. زن دیگری را مشاهده کردم که او را به پستان هایش آویخته بودند. و دیگری را دیدم که گوشت بدن خویش را می خورد و آتش در زیر او شعله می کشید. زنی دیگر را دیدم که پاهایش را به دست هایش زنجیر کرده بودند و مارها و عقرب ها بر او مسلّط

بودند و زنی را دیدم کر و کور و لال که در تابوتی از آتش است و مخ او از بینیش خارج می شود و همه بدنش قطعه قطعه از جذام و برص (خوره و پیسی) است و زن دیگر را مشاهده کردم که در تنّوری از آتش به پاهایش آویزان است، و زنی را دیدم که گوشت بدنش را از پس و پیش با قیچی آتشین می برند. و دیگری را دیدم صورت و دست هایش آتش گرفته و مشغول خوردن روده های خویش است. زنی را دیدم که سرش سر خوک و بدنش بدن حمار است و هزار هزار نوع او را عذاب می کنند و زنی را به صورت سگ دیدم که از عقب به شکم او آتش می ریزند و از دهانش بیرون می ریزد و فرشتگان با گرزهایی آتشین بر سر و پیکر او می زنند.

پس فاطمه سلام الله علیها به پدرش عرض کرد: ای حبیب من، و ای نور دیدگانم، به من بگو که اینان چه کرده بودند و رفتارشان چه بود که به این عقوبت گرفتار شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای دختر عزیزم، امّا آن زنی که به موی سرش معلق در آتش بود؛ آن فردی بود که موی سر خویش از نامحرمان نمی پوشانید. و امّا آن زنی که به زبانش آویخته بود؛ او کسی بود که با زبان، شوهر خویش را آزار می داد. آن که به پستان هایش

آویزان بود؛ شوهرداری بود که از آمیزش با شویش پرهیز داشت و اما آنکه به پاهایش معلق در دوزخ بود؛ کسی بود که بدون اذن همسر خود، از خانه بیرون می رفت. اما آن زنی که گوشت بدن خویش را می خورد؛ آن بود که خود را برای نامحرمان زینت می کرد. اما آنکه دست و پایش را به هم زنجیر کرده بودند و مارها و عقرب ها بر او مسلط بودند؛ زنی بود که درست وضو نمی ساخت و لباسش را از آلودگی به نجاست، تطهیر نمی کرد. غسل جنابت و حیض به جای نمی آورد. خود را نظیف نمی ساخت و به نماز اهمیت نمی داد. و اما آن کر و کور و لال، زنی بود که از غیر شوهر خویش، دارای فرزند می شد و به شوهر خود نسبت می داد. آنکه گوشت بدنش را با مقراض ها می بریدند؛ پس وی زنی بود که خود را در اختیار مردان اجنبی می نهاد و خود را بدان ها عرضه می نمود. و اما آن زنی که سر و رویش آتش گرفته بود و مشغول خوردن روده های خود بود؛ آن کسی بود که دلّالی جنسی به حرام می کرد. اما آنکه سرش، سر خوک و بدنش بدن حمار بود؛ آن زنی بود که سخن چینی به دروغ می نمود. اما آنکه رخسارش رخسار سگ بود و آتش در دبر او می ریختند و از دهانش بیرون می آمد؛ آن زنی آوازه خوان و نوحه گر و حسود بود آن گاه پیامبر(ص) فرمود: وای بر زنی که شوی خویش را به [1]. غضب آرد و خوشا به حال بانوئی که شوهرش از او راضی باشد

پی نوشت:

شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا(ع)، ج 2، ص 9-11 [1]

## حدیث حواء

حواء «زن عطر فروش خاندان پیامبر(ص) بود. روزی شوهرش به او « دستوری می دهد و او از فرمان شوهر سرپیچی می کند. آن روز گذشت در حالی که مرد بر او خشمگین بود. زمانی که مرد برای نماز وارد مسجد شد، زن به دنبالش رفت، ولی مرد از او اعراض کرد. زن به سمت شوهر می رود و دست راستش را می بوسد و بر سرش بوسه می زند، اما شوهر از او اعراض می کند. زن دانست که شوهرش بر او خشمگین است. از این رو، زن نالان بر چهره خود سیلی زد و بسیار گریست و بر خود و عاقبت کارش از ترس خدا بسیار هراسان شد و اینکه با آتش دوزخ و روزی که ترازو نهاده و نامه ها گشوده می شود چه کند؟ و نگران عذاب خداوند مالک روز جزا شد.

وقتی صبح شد نمازش را گزارد و برقعہ انداخت و ردای بر سر کشید و به سمت خانه پیامبر(ص) روان شد. زمانی که آنجا رسید، چنین ندا در داد: سلام بر اهل بیت نبوت، کان علم و رسالت و محل آمد و شد فرشتگان، آیا به من اذن دخول می دهید، خداوند بر شما رحمت آورد!

ام سلمه صدایش را شنید و او را شناخت. پس به کنیز خود گفت: بیرون  
رو و در بر او بگشا! کنیز بیرون رفت و برایش در گشود و زن  
عطرفروش وارد شد. ام سلمه گفت: حواء! به چه کاری آمده‌ای؟  
در پاسخ گفت: از عذاب خداوند ترسانم. همسرم بر من خشم گرفته و  
ترسانم که مصداق مبعوض باشم. ام سلمه گفت: بنشین و از جا برنخیز تا  
رسول خدا(ص) تشریف آورند. پس حواء نشست و با ام سلمه سخن  
گفت. هنگامی که پیامبر(ص) وارد شد فرمود: به راستی که من حواء را  
نزدتان می‌یابم، آیا عطر خوشبویی از او خریده و خود را بدان معطر  
کردید؟

گفتند: نه به خدا! درود خدا بر تو و اهل بیت پاک تو باد! بلکه حواء  
آمده و از حق همسرش پرسان است. سپس ماجرا را باز گفت. پس  
پیامبر(ص) فرمود: ای حواء! زنی که خشم شوهر را برانگیزد، با  
خاکستر آتش دوزخ سرمه‌ای بر چشمش کشند.

ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت،  
هر زنی سخن منطقی شوهرش را نپذیرد و دست رد به همسرش زند او  
را در روز قیامت به زبانش آویزان کنند و با زبانش با میخ‌های آتشین



می‌دوزند

آزاررسانی به شوهر

ای حواء، قسم به آن خدایی که مرا به رسالت مبعوث کرد، هر زنی که دستش را دراز کند و بخواهد مویی را از سر شوهرش بکند یا پیراهن و لباس او را پاره کند (و یا به هر طریقی) او را بیازارد، خداوند بزرگ دو دستش را با میخ‌های آتشین می‌دوزد

خروج بی‌اذن از خانه

ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، هیچ زنی بی‌اذن همسر از خانه بیرون نرود و در مجلس عروسی (و یا مهمانی) حاضر نشود، مگر آنکه خداوند چهل لعنت از راست و چهل لعنت از چپ و لعنتی از پیش رویش بر او فرود آورد تا سراپای وجودش را لعنت فرا گیرد و در لعنت غرق شود؛ و خداوند به هر گامی که بر می‌دارد چهل گناه تا چهل سال برایش می‌نویسد. پس اگر به سن چهل سالگی رسید و چهل بر او تمام شد، به شماره افرادی که صدا و سخنش را شنیده‌اند، لعنت نوشته می‌شود. پس دعایش اجابت نشود مگر اینکه شوهرش به تعداد دعاهایی که زن برای او می‌نماید، استغفار کند و اگر همسرش

برای او استغفار نکند این لعنت و دوری از رحمت خداوند سبحان، تا روز  
قیامت و روزی که می‌میرد و بر انگيخته می‌شود، ادامه می‌یابد

نماز بیرون خانه و بی اذن

ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری و رسالت فرستاده  
و برانگيخته است؛ هیچ زنی بیرون از خانه اش یا در درون خانه اش نماز  
(بی اذن همسر و یا نماز مستحبی) نمی‌گزارد، مگر آن که روز قیامت  
خداوند آن نمازش را می‌آورد و بر صورتش می‌زند. سپس امر می‌کنند تا  
او را به آتش برند، پس چون ماهی تکه تکه شده و مانند گوشت کوبیده  
شده و در آتش پخته شود

سنگینی مهریه زن

ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری و رسالت فرستاده،  
هر زنی که مهریه اش را زیاد کند و باعث فشار بر شوهر شود؛ خداوند  
بزرگ در روز قیامت زنجیرهای آتشین جهنمی را بر او سنگین  
می‌گرداند.

روزه بی اذن شوهر

ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری و رسالت

فرستاده، هر زنی که بدون اجازه شوهرش روزه مستحبی بگیرد، از گناهکاران محسوب می‌شود مگر اینکه روزه اش قضای ماه رمضان و روزه نذر باشد.

صدقه از مال شوهر

ای حواء! سزاوار نیست زن از خانه شوهرش چیزی صدقه بدهد مگر از او اجازه بگیرد و در صورتی که بدون اجازه شوهر، صدقه بدهد ثواب آن به همسرش می‌رسد و چیزی جز بدبختی و گناه نصیب زن نمی‌شود. ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری و رسالت و هادی و مهدی فرستاده، هر گاه شوهر بر زنی غضب کند خداوند بر او غضب کرده و در روز قیامت وارونه در اصل و قعر دوزخ با منافقان در درک اسفل و پایین ترین درجه آتش دوزخ است و خداوند بر او مار و کژدم و افعی و مار بزرگ یا مارماهی بر او مسلط ساخته تا گوشتش را بگزند و در دهان برند و بلیسند. هر مار بزرگ به اندازه درخت یا کوهی استوار و بلند است.

بخشش گناهان برای زن مطیع و نمازگزار

ای حواء! هر زنی نمازش را بگذارد و ملازم خانه اش باشد و اطاعت

شوهرش کند، خداوند همه گناهان پیشین و پسین او را بیامرزد

به رنج افکندن شوهر

ای حواء! حلال نیست که زنی شوهرش را بیش از توانش به تکلف و زحمت اندازد و اینکه از شوهرش نزد هیچیک از خلق الله از خویش و غیر خویش گلایه و شکایت نبرد

استقامت در سختی و آسانی

ای حواء! بر زن است که در سود و زیان و بر سختی و آسانی شوهرش صبر و استقامت کند، همچنانکه همسر ایوب مبتلا(ع) صبر کرد. همسر ایوب بر خدمت شوهرش 18 سال صبر کرد و او را بر دوش حمل با باربران می کرد و با آسیاب کنندگان، آسیاب می کرد و با غسل کنندگان او را می شست و غذایی می آورد که بخورد و خدایش را حمد و سپاس می گفت و او را در کساء قرار می داد و بر دوشش حمل می کرد و این همه را برای شفقت و احسان و تقرب به خدای عز و جل انجام می داد ای حواء! سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری و رسالت فرستاده، هر زنی بر سختی و آسانی شوهرش صبر کند و مطیع شوهر و دستورهایش باشد، خداوند تبارک و تعالی او را با همسر ایوب(ع)

محشور می‌کند. ای حواء! زینت خود را جز برای شوهرت نمایان  
نسازی! ای حواء! حلال نیست بر زن که دستبندها و خلخال‌هایش را جز  
برای شوهرش آشکار سازد؛ و اگر این چنین کرد همواره در لعنت و  
خشم الهی است و خداوند بر او غضب می‌کند و فرشتگان خدا بر او  
لعنت فرستند و برایش عذاب دردناکی فراهم شده است.

### وظیفه شوهر

ای حواء! بر شوهر است که همسرش را سیر کرده و جامه بپوشاند و  
نماز و روزه و زکات را به او بیاموزد تا اگر در مالش حق مالی است  
بپردازد و در این امور مخالف شوهرش نباشد.

### خیری از شوهر ندیدم

ای حواء! سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری و رسالت فرستاده،  
خداوند مرا به مقام محمود برانگیخته است و بهشت و دوزخ را بر من  
عرضه کرد، پس دیدم بیشتر اهل دوزخ از زنان هستند. پس گفتم: ای  
حبیبم جبرئیل! برای چه این گونه است؟ پس در پاسخ گفت: به سبب  
کفر زنان. پرسیدم: به خدای عزوجل کفر می‌ورزند؟ پاسخ داد: نه! ولی  
آنان به نعمت خدا کفر می‌ورزند. پرسیدم: این چگونه است! ای دوست و

حبیبم جبرئیل؟! پاسخ داد: اگر شوهرشان در تمام روزگار به آنان نیکی  
کند و هیچ بدی در حق ایشان اظهار نکند، زن می گوید: من هرگز از تو  
خیری ندیدم.

خیانت به شوهر

ای حواء! بر زن است که ملازم خانه اش باشد و به شوهرش مودت و  
محبت و شفقت نماید و از سخط و خشمش پرهیز کرده و خشنودی اش  
را بجوید و به عهد و وعده اش وفا کند و از صولت شوهرش پرهیزد و  
برای کسی در هیچ یک از فرزندان شریک نگیرد و اهانت نکند و به رنج  
و شقاوت نیندازد و در حضورش خیانت در مالش نکند و هنگام نبود  
شوهرش، مالش را حفظ و صیانت کند چنان که در حضورش می کرد و در  
خانه اش به اعتدال و استوا باشد و خودش را برای شوهرش بیاراید و  
نماز گزارد و غسل از جنابت و حیض و استحاضه کند. پس هنگامی که  
این کارها را کرد در روز قیامت چون دوشیزه ای با رخساری درخشان  
خواهد شد. پس اگر همسرش نیز مومن صالح بود همسرش خواهد بود  
و اگر مومن نبود با مردی از شهدا ازدواج خواهد کرد؛ هم چنین در  
غیاب شوهرت خود را خوشبو نساز

## زینت زنان

ای حواء! هر زنی به خدا و روز آخرت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهر قرار ندهد و سینه ها و دستبندهایش را برای غیر آشکار نسازد. اگر چنین کند و چیزی را برای غیر شوهرش قرار دهد، به راستی که دین خود را فاسد کرده و خشم خدایش را بر خود وارد ساخته است. ای حواء! هر زنی که بهترین و پاک ترین و طیب ترین را برای شوهرش بیرون آورد، خداوند برایش در بهشت از هر رنگی خلق کند و به آن زن گفته می شود: بخور و بنوش! به سبب آنچه در گذشته و در دنیا نداشتی.

## صبر بر خلق شوهر

ای حواء! هر زنی که سخن (تلخ و ناخوشایند) شوهرش را تحمل کند، خداوند به هر کلمه اش مزد روزه دار مجاهد در راه خدای عزوجل را براهش می نویسد.

## گلایه از شوهر

ای حواء: هیچ زنی از شوهرش گلایه و شکایت نکند مگر آنکه خشم خداوند را به جان خرد؛ و هر زنی که شوهرش را بیوشاند خداوند او را در روز قیامت هفتاد خلعتی بهشت دهد که هر خلعتی از آن مثل گل

شقائق نعمان و ریحان است و خداوند در روز قیامت به او چهل کنیز و همراه از جنس حور العین دهد که در خدمتش باشند.

### ثواب بارداری

ای حواء! سوگند به خدایی که مرا به حق به عنوان پیامبر و رسول و بشیر و نذیر فرستاده، هیچ زنی برای شوهرش فرزندی را باردار نشود مگر آنکه در سایه الهی باشد با هر لگدی که از سوی فرزندش در شکم در می‌یابد، آزادی برده‌ای مومن برای او نوشته شود. هنگامی که زایید و وضع حمل کرد و به شیردهی کودک پرداخت، با هر مکیدن کودک از شیر مادر، برای مادر نوری درخشان تا روز قیامت است به طوری که هر یک از اولین و آخرین می‌بینند به شگفت می‌افتند، و برای مادر ثواب و اجر روزه دار نمازگزار نوشته شود و اگر روزه دار باشد برایش روزه تمام روزگار تا قیامت نوشته می‌شود؛ پس اگر فرزندش را از شیر گرفت خداوند حق تعالی می‌فرماید: ای زن! به راستی گناه پیشین تو را آمرزیدم. (مستدرک وسایل الشیعه، میرزا حسین نوری طبرسی، ج 14، ص 231 تا 237 و نیز صفحات 245

تکلیف مردان نسبت به زنان



پس حواء پرسید: ای رسول الله! صلوات خدا بر تو باد! همه اینها برای  
مرد است.

پیامبر(ص) پاسخ داد: بله! او گفت: پس زنان چه حقی بر مردان دارند؟  
پیامبر(ص) فرمود: برادرم جبرئیل مرا خبر داد و همواره مرا به زنان  
سفارش می کرد به طوری که گمان کردم که حلال نیست بر مرد که به  
زنش «اف» بگوید. جبرئیل گفت: ای محمد! از خداوند عز و جل در حق  
زنان بترس و تقوا پیشه کن؛ زیرا آنان در ابتدای زندگی در دستان  
شمایند. آنان را به عنوان امانات الهی گرفتید و به کلمه الله و کتاب الهی  
به حکم فریضه و سنت و شریعت محمد بن عبدالله (ص) ازدواج با ایشان  
بر شما حلال شد، پس آنچه برای آنان بر شماست به عنوان حق واجب  
است؛ چرا که اجسام ایشان بر شما حلال شد و ابدان ایشان در اختیار شما و  
وصل بر شماست و فرزندان را در درونشان حمل می کنند تا زمانی که  
وضع حمل اتفاق افتاد. پس بر ایشان شفقت و رحمت آورید و با  
دلهایشان پاک باشید تا با شما باشند و آنان را اجبار و اکراه نکنید و بر  
ایشان خشم نگیرید و آنچه از مال به ایشان دادید جز به رضا و اذن پس  
(نگیرید). (مستدرک، ج 14، ص 242)

## مجازات شوهر

در بخشی دیگر از حدیث آمده که پیامبر(ص) فرمود: (مردی که یک سیلی به همسرش بزند خداوند بزرگ به مالک و رئیس آتش‌های جهنم دستور می‌دهد که هفتاد سیلی آتشین به صورت او بزنند و هر مردی که دستش را به موی زن نامحرم برساند، روز قیامت آن دست، با میخ‌های (سوزان جهنم دوخته می‌شود). (مستدرک، ج 14، ص 242)

البته در اینجا تنها گوشه‌ای از وظایف و تکالیف و نیز مجازات‌هایی که برای مردان در قبال همسران است بیان شده است و در روایات بسیاری وظایف و تکالیفی بر عهده مردان گذاشته شده که باید در زمان مناسب به آن‌ها پرداخته شود.

نگاه کنید: (مستدرک وسایل الشیعه، میرزا حسین نوری طبرسی، ج 14، ص 231 تا 237 و نیز ص 245)

## زینب کبری و حجاب

زینب کبری به حجاب و عفاف خیلی اهمیت می دادند لذا در حوادث مختلف می بینیم توجه ایشان به حفظ حجاب است حتی در اسارت و در کاخ یزید و...

بعد از به شهادت رسیدن امام حسین(ع) دشمن با بی رحمی به خیمه ها و حریم اهل بیت(ع) حمله کرد. خیمه ها را آتش زدند و شروع به غارت اموال ایشان کردند. حمید بن مسلم می گوید: «دیدم زنی از همسران و دختران اهل بیت(ع) را که با آن دشمنان بر سر چادری درگیر بودند و»  
«عاقبت، آن چادر را از سر او ربودند»

روز یازدهم، بازماندگان امام حسین(ع) را به سوی کوفه حرکت دادند؛ درحالی که زنان را در میان دشمنان، با صورتهای باز بر شتران بدون کجاوه نشانیده بودند. آنان را با اینکه امانات و ودایع انبیا بودند، چون اسیران ترک روم با سخت ترین مصیبتها و اندوه ها به اسیری بردند.

حضرت زینب(ع) و دیگر زنان اهل بیت(ع) حجابی کامل داشتند که افزون بر چادر، لباسهایی بلند، مقنعه و روپوش داشتند و این پوشش را از حضرت زهرا(ع) آموخته بودند که هنگام خروج از خانه افزون بر چادر از پوشیه هم استفاده می کردند. در این باره نقل شده است:

«...فَتَجَلَّلَتْ بِجَلَالِهَا وَ تَبَرَّقَعَتْ بِبُرْقَعِهَا وَ أَرَادَتْ النَّبِيُّ؛[1] **پس چادرش را سر نمود، و روبندش را انداخت و به طرف منزل پیغمبر(ص) حرکت نمود.**»

مقابله بانوان در صحرای کربلا با دشمنان، برای حفظ حریم خویش، نشان از عظمت حجاب در نزد ایشان دارد. هنگامی که دشمن به خیمه ها حمله کرد و وسایل آنان را غارت کرد، چادر از سر زنان کشید و پوشیه های آنها را غارت کرد. نکته بسیار مهمی که در این جریان به چشم می خورد، این است که در کتابهای تاریخی، همچون نفس المهموم و لهوف سیدبن طاووس آمده، آنها را با صورتهایی باز به اسارت بردند و در هیچ یک از این کتابها نوشته نشده که زنان را با سرهایی باز، دیده باشند.

پاسبانی از خون شهدا به وسیله حیا

ابن سعد، همراه با اسیران آل پیغمبر(ص) به کوفه آمد. اهل شهر برای تماشای آنان اجتماع کرده بودند. حضرت ام‌الکثوم(ع) فریاد زدند: **ای اهل کوفه! شما از خدا و رسولش، خجالت نمی‌کشید که به ناموس [پیامبر(ص) نگاه می‌کنید؟] 2**

راوی می‌گوید: «زنی از زنان کوفه از بالای بام فریاد زد: «شما از اسیران کدام مملکت و کدام قبیله اید؟» در پاسخ گفتند: «ما اسیران آل محمدیم»

آن زن از بام فرود آمد و از خانه خود برای آنها جامه و مقنعه جمع کرد [و به اهل بیت(ع) داد تا خود را بپوشانند]. 3

در این هنگام، چند نفر از کوفیان، برای کودکان، نان و خرما و گردو آوردند. حضرت ام‌الکلتوم(ع) فرمودند: «صدقه بر ما حرام است.» آنگاه [آنها را از دست کودکان باز پس می گرفتند].<sup>4</sup>

هنگامی که اسیران اهل بیت(ع) وارد کوفه شدند، دو جریان روی داد؛ اول اینکه برای بانوان، جامه و مقنعه می آورند که آنها قبول می کنند، دوم اینکه برای بچه ها غذا می آورند که آنها را رد می کنند - در موقعی که تشنگی و گرسنگی به بچه ها فشار می آورد و آنها متحمل شکنجه های زیادی شده بودند اهل بیت پیامبر(ص) صدقه را بر خود حرام می داند؛ ولی گرفتن جامه را قبول می کند و این نشان بر اهمیت حفظ حجاب است، حتی اگر به صورت صدقه باشد.

هنگامی که اسرای اهل بیت(ع) به کوفه رسیدند، حضرت زینب(ع) اشاره ای کردند و در آن هیاهو به ناگاه، نفسها در سینه ها حبس شد و صدای زنگها و هیاهوها خاموش شد و مرکبها ایستادند.

ایشان شروع به خواندن خطبه کردند. راوی می گوید: «رَأَيْتَ زَيْنَبَ بِنْتَ عَلِيٍّ (ع) وَلَمْ أَرَ خِفْرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا كَأَنَّهَا تُفْرِغُ عَنْ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)؛ [5] زینب دخت گرامی علی (را دیدم و براستی که هرگز

زنی با شرم و آزرم سخنورتر از او ندیده بودم، گوئی از زبان امیر المؤمنین (ع) سخن می گفت» شهید مطهری (ره) می نویسد: «خِفْرَةً» یعنی زن با حیا. حضرت زینب (ع) آن خطبه را در نهایت عظمت القا کرد. دشمن درباره ایشان می گوید: حیای زنانگی از او پیدا بود، شجاعت علی (ع) با حیای زنانگی در هم آمیخته بود. حضرت زینب (ع) به گونه ای صحبت می کرد که گویی سخن علی (ع) از دهان زینب (ع) خارج می شود.» [6]

این جریان، نشان می دهد که زینب (ع) در اسارت، با حجاب بوده و هنگامی که لازم است مثل مادرش فاطمه زهرا (ع) با نامحرمان سخن بگوید، هیچ گاه از پرده عفاف و حجاب، خارج نمی شود.

فاطمه زهرا(ع) آن تجسم حیا و عفت و الگوی حضرت زینب(ع) هم، تا ضرورتی نبود به میان جامعه نمی آمدند؛ ولی در مواقع حساس و ضروری در مسایل سیاسی و اجتماعی شرکت می کردند به ویژه در مسئله ولایت امیرالمؤمنین(ع) این امر به چشم می خورد

روایت شده است، حضرت زهرا(ع) هنگامی که برای دفاع از حق خویش از خانه به سوی مسجد روانه شد، مقنعه را محکم به سر بست و جلباب و چادر خود را به گونه ای به تن کرد که تمام بدن ایشان را پوشانده بود و گوشه های آن به زمین می رسید، درحالی که همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود بود؛ «لَاتتِ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اِشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ اُقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا» [7] پوشش (مقنعه بلند) خود را بر سر انداخت و ردایی بلند بر تن کرد و در میان گروهی از زنان قوم خود در حالیکه دامنه های بلند چادرش بر زمین کشیده می شد.



حضرت زینب(ع) شرایط سختی را بعد از شهادت امام حسین(ع) و در راه کوفه دیدند که ایشان را لحظه ای بر آن نداشت که از عفت خویش خارج سازد؛ بلکه تا آخرین نفس، مواظب این بود که حجابش از بین نرود. عظمت عفاف زینب(ع) چنان است که حتی دشمن از حیا و شجاعتش تعریف می کند و او را می ستاید.

ورود اهل بیت(ع) به شام

هنگامی که یزید از کشته شدن امام حسین(ع) مطلع شد، پیام فرستاد که سر امام(ع) و یاران او را که کشته شدند، همراه اهل بیت(ع) به شام بفرستند. ابن زیاد، محفر بن ثعلبه عائذی را طلبید و آن سرهای مقدس و اسیران خانواده رسالت را به او سپرد. محفر، اسیران را به صورت باز، مانند اسیران کفار به جانب شام، حرکت داد.[8] سپاهیان، سر مقدس امام حسین(ع) را با زنان و فرزندان اسیر او به سوی شام بردند، وقتی نزدیک به شهر دمشق شدند، حضرت ام کلثوم(ع) نزد شمر رفتند و بیان داشتند: «من از تو درخواستی دارم؟» شمر گفت: حاجت تو چیست؟

ام کلثوم(ع) فرمودند: «چون ما را به این شهر وارد می کنی، از دروازه ای  
ببر که تماشاچیان، کمتر باشند و به سپاه بگو این سرها را از محملها  
دورتر ببرند؛ **زیرا از بس ما را نگاه کردند، رسوا شدیم**، درحالی که ما در  
لباس اسیری هستیم.» شمر در اثر خباثت و ناپاکی و سرکشی ای که  
مخصوص خودش بود، در پاسخ ام کلثوم(ع) دستور داد سرها را بالای  
نیزه ها زدند و در میان محملها قرار دادند و آنان را از میان تماشاچیان،  
عبور دادند و از دروازه دمشق گذرانیدند و بر در مسجد جامع شهر، روی  
پله های درب آن نگه داشتند؛ همان جایی که اسیران را نگه می  
داشتند. [9]

زنان اهل بیت(ع) از جمله حضرت زینت(ع) و ام کلثوم(ع) در مکتبی  
درس خوانده اند که تقاضا از دیگران را سبب ذلت و سرافکندگی می  
دانند و در شرایط اضطرار برای کودکان هم درخواست آب و غذا نمی  
کنند؛ ولی در مورد حفظ عفت خویش از دشمن خواهش می کنند که آنها  
را از جایی عبور دهند که تماشاچیان کمتر آنان را ببینند

سهل بن سعد روایت می کند: «وقتی وارد شهر شام شدم، دیدم همه مردم در شادمانی هستند و زنان، دف و طبل می زنند. علت را جویا شدم. گفتند این سر حسین عترت محمد(ص) است که از عراق، ارمغان آورده اند. سهل می گوید: «در میان گفت و گوی ما ناگهان دیدم، بیرقهای پی در پی پیدا شد و سواری دیدم بیرقی در دست داشت، پیکان از بالای آن بیرون آورده و سری بر آن بود روشن، شبیه ترین مردم به رسول خدا(ص) و ناگاه دیدم از پشت سر او، زنانی بر شتران بی روپوش سوارند، نزدیک شدم و از زن نخستین پرسیدم: کیستی؟ گفت: سکینه بنت الحسین(ع) گفتم: حاجتی داری تا برآورم که من سهل بن سعد ساعدی هستم، جدّ تو را دیدم و حدیث او را شنیدم. گفت: ای سعد به حامل این سر بگو که آن را پیشتر برد تا مردم مشغول نگریستن آن شوند و به حرم پیغمبر (ص) نگاه نکنند. سهل گفت نزدیک آن نیزه دار شدم، گفتم: توانی حاجت مرا برآوری و چهارصد دینار بستانی؟ گفت: حاجت تو چیست؟

[گفت: این سر را از حرم جلوتر بری. او هم پذیرفت.] 10

آری در آن لحظات سخت، هرکسی به جای اهل بیت(ع) اسیر بود، تقاضای آب، غذا یا نجات خویش را می کرد یا از مشکلاتی که برایشان به وجود آمده بود، شکایت می کرد ولی این بانوان، تنها درخواستشان حفظ حجاب بود و اینکه بدترین عذاب و شکنجه را تماشای نامحرمان به خود می دانند.

عظمت زینب(ع) در مجلس یزید

حضرت زینب(ع) وقتی به همراه اسیران، وارد مجلس یزید شد، خطبه ای ایراد کردند که در آن، خطاب به یزید آمده است: ای فرزند آزادشدگان! آیا این امر از عدالت است که زنان و کنیزان خود را در پشت پرده جای دهی، ولی دختران پیامبر خدا (ص) را در میان نامحرمان، به صورت اسیر، حاضر کنی؟ تو زنان و کنیزان خود را در حرم ستر و پوشش نگاه داری، ولی خاندان رسالت را با دشمنانشان در شهرها و آبادی ها بگردانی تا باده نشینان، نزدیکان، بیگانگان، اراذل و

اشراف، آنان را ببینند؛ درحالی که از مردان آنان، کسی همراهشان نیست و سرپرست و حمایت گری ندارند؟ چگونه امید خیر می توان داشت از فرزند فردی که با دهان خود می خواست جگر پاکان را ببلعد و گوشت و خون او از شهیدان اسلام روییده است؟ چگونه می توان از فردی انتظار کوتاه آمدن داشت که همواره با بغض و دشمنی و کینه و [عداوت، به خاندان ما نگریسته است؟...] 11

دقت در بیان سخنان حضرت زینب(ع) نشان می دهد، مسئله حجاب تا چه اندازه برای ایشان مهم است که در حضور یزید - با اینکه یزید جنایات زیادی را مرتکب شده است- تنها و اصلی ترین شکوه زینب (ع) از متعرض شدن دشمن به عفاف و حجاب ایشان است، آن هم در موقعی که اسرای اهل بیت(ع) در این سفر، رنجه کشیده، شکنجه ها دیده، طعم گرسنگی، تشنگی، خستگی را دیده؛ ولی آنچه در فرهنگ معلم عفت و پیام آور عزت زن، هرگز بخشیده نیست، هتک حرمت عفاف و ستر حجاب آنان است که در گفتار ایشان به خوبی دیده می شود. 12]

اسلام به زن، بهترین هدیه را که همان پوشش است، عطا فرموده که از طریق آن بتواند خود را از نگاه های مردان بیمار دل، محافظت کند و حضرت زینب(ع) چون قدر چنین هدیه ای را می داند، برای حفاظت از آن حاضر است جان دهد؛ ولی دیده نشود. متأسفانه امروزه بدون توجه به این عطیه الهی، زنان، خود را در معرض دید همگان قرار داده و عده ای سودجو با قراردادن زنان به عنوان وسیله ای برای فروش کالاهای خود، از ارزش زنان کاسته و آنها را از حد انسانیت و کمال به پست ترین جایگاه رسانده اند.

عفت و پاکدامنی، برارنده ترین زینت زن است. یکی از درسهای عاشورا، همین عفت و پاکدامنی است. در حادثه کربلا، تنها چیزی که زینب کبری(ع) و دیگر زنان حتی کودکان را به شکوه، وامی داشت؛ مسئله حجاب بود. اهل بیت(ع) آموخته اند که جز از خدا از کسی درخواستی نداشته باشند؛ ولی در مورد حفظ حجاب خود حتی از شمر هم درخواست می کنند.

زینب (ع) حاضر است جان دهد، به اسیری برود؛ ولی از عفت خویش  
چون گوهر گرانبهایی مراقبت کند. ایشان حاضر نیست تحت هیچ  
شرایطی در معرض دید اجنبی قرار گیرد. زینب(ع) کشته شدن در راه  
خدا را جمال و زیبایی و حضور در میان بیگانگان را وبال و رسوایی می  
داند.[13]

پی نوشت ها

بحار الانوار، محمداقصر مجلسی(ره)، ج 43، ص 147 [1]

مقتل الحسین(ع)، عبدالرزاق مفرم، ترجمه قربانعلی مخدومی، انتشارات نصایح، قم، 1387 ش، چاپ دوم، ص 375 [2]

ترجمه و متن کامل لهوف، ص 173 [3]

مقتل الحسین(ع)، ص 375 [4]

الامالی، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، 1413 ق، ص 321 [5]

حماسه حسینی(ع)، مرتضی مطهری، ج 1، ص 355 [6]

بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج 43، ص 220 [7]

ترجمه و متن کامل لهوف، ص 203 [8]

همان، ص 207 [9]

ترجمه نفس المهموم، ص 392 [10]

ترجمه و متن کامل لهوف، ص 217 [11]

پوشش زن در گستره تاریخ، طیبه پارسا، انتشارات احسن الحديث، قم، 1378 ش، چاپ دوم، صص 139 – 140 [12]

سیمای حضرت زینب(ع)، ص 81 [13]<sup>1</sup>

---

<sup>11</sup> <https://hawzah.net/fa/Article/View/99228/%D8%AF%D9%81%D8%A7%D8%B9-%D8%A7%D8%B2-%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%A8-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B2%DB%8C%D9%86%D8%A8-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85>



## چرا فتنه می کردی؟

امام صادق(ع): «روز قیامت، زن زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: خدایا! تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت مریم(س) از تو زیباتر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می نموده است، را می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت یوسف(ع) از تو زیباتر بود ولی به فتنه نیفتاد. بعد شخصی را که به خاطر بلاها و سختی ها به فتنه افتاده بود را می آورند. به او خطاب می شود که: چرا تحمل سختی ها ننمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که: تو سختی ها و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه افتادم! به او خطاب می شود که: بلاهای حضرت ایوب<sup>7</sup> از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیفتاد.»<sup>(۲)</sup>

## نگاه به ناموس مردم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هر کس به خانه

همسایه سر کشد و نظر به عورت زنی یا مردی و موی سر زنی کند و یا

چیزی از بدن او را ببیند بر خداوند سزاوار است که او را به جهنم ببرد و

با منافقین، کسانی که در پی عیوب مردم بودند، همدم سازد چنین کسی

از دنیا بیرون نرود تا اینکه خداوند او را مفتضح و رسوا سازد و در قیامت

عیوب او و عورت او در برابر مردم آشکار کند و هر که چشمان خود را از نامحرمی پُر کند، خداوند در قیامت دودیده او را با آتش پُر می سازد و او به همان حال است تا وقتی که خدا درباره مردم حکم خود را به پایان رساند، آنگاه فرمان دهند که او را به دوزخ ببرند (وسائل الشیعه، حدیث 25410)

**از گل لجنزار دوری کنید!**

یکروز رسول خدا (ص) سخنانی کردند و فرمودند ای مردم! از سبزه مزله پرهیزید. یعنی گُل خوشگلی که در مرداب روییده است. صحابه سوال کردند خضراء الدمن کیست؟ حضرت فرمودند: خانم زیبارویی که در خانه آلوده بزرگ شده و رشد کرده است<sup>۳</sup>

**حضرت علی (ع) به زنهای جوان سلام نمی کردند...**

« رسول خدا (ص) بر زنان سلام می کرد، و پاسخ سلام آنان را می داد، امیر المؤمنین (ع) نیز به زن ها سلام می کرد و به آنان جواب می داد، ولی از سلام کردن به زن های جوان کراهت داشت، و می فرمود: می ترسم

شیخ. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ناشر جامعه مدرسین، چاپ قم، سال 1404 ق، نوبت دوم ج 3، ص 391<sup>۳</sup>

صدایش در من حالتی ایجاد کند، و ضرری بیش از اجرای که می‌خواستم

نصیبم گردد»<sup>4</sup>.

### پیامبر دست گذاشت رو چشمان فضل!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اسامه بن زید را در بالا رفتن از عرفات در ردیف خود بر مرکبش سوار کرده بود، وقتی برگشت، فضل بن عباس که جوان خوش صورتی بود پشت سر خویش سوار نموده بودند، شخصی اعرابی سر رسید و خواهر بسیار زیبایش همراه وی بود، و از حضرت سؤالاتی داشت، اعرابی می پرسید و فضل به خواهرش می نگریست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که متوجه قضیه بود دستش را جلوی چشم فضل می گذاشت ولی او از سوی دیگر باز به دختر نگاه می کرد. وقتی پیامبر از جواب سؤال اعرابی فارغ شد به فضل نگریست و شانه اش را گرفت و فرمود: آیا نمی دانی این ایام معلوم و معین حجّ است و مردی نیست که مواظب چشم و زبان و دستش باشد مگر اینکه خداوند ثواب حجّ آتی را برای او می نویسد<sup>(مستدرک الوسائل، حدیث</sup>

16682.

، ج 2، ص 648، ق، 1407 هـ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامية<sup>4</sup>

درباره رسول خدا(ص) آمده است:

هرگز دستش به زنی نامحرم نرسید...

رسول خدا(ص) فرمودند:

رسول خدا(ص): هر مردی که همسرش آرایش کند و از منزل با حالت آرایش کرده خارج شود **دیوث** است، و هر کس او را دیوث بنامد گناه نکرده است. و چنانچه زنی با چهره‌ی آرایش کرده و عطر زنان از منزلش خارج شود، و شوهرش نیز به این کار او راضی و خشنود باشد، با هر گامی که زن با این حالت بر می‌دارد، برای شوهرش خانه‌ای در آتش (جهنم بنا می‌شود. (بحار الانوار، جلد 100، ص 249

امام باقر(ع): «سه دسته نمازشان قبول نمی‌شود از جمله دیوث که زنش زناکار است.»<sup>(۵)</sup>

رسول خدا(ص): «سه دسته نمازشان قبول نمی‌شود از جمله دیوث است»  
پرسیدند: دیوث کیست؟ فرمود: «آن که زنش زنا می‌کند و شوهر می‌داند و باخبر است.»<sup>(۶)</sup>

رسول خدا(ص): «بوی بهشت از مسیر پانصدسال به مشام می‌رسد! ولی عاق والدین و دیوث بوی آنرا حس نمی‌کنند!» سؤال شد: ای رسول خدا! شخص دیوث کیست؟ فرمود: «کسی که می‌بیند زنش زنا می‌کند ولی بی تفاوت است!»<sup>(۷)</sup>

## اثرات گناه زنا

در روایتی از پیامبر خدا(ص) **اثرات گناه زنا** به دو قسم تقسیم شده است. ایشان فرمودند:

«ای علی! زنا شش پیامد دارد: سه پیامد در دنیا و سه دیگر در آخرت. پیامدهای دنیایش این است که آبرو را می‌برد، مرگ را شتاب می‌بخشد و روزی را می‌برد و پیامدهای آخرتش عبارت است از حسابرسی سخت و دقیق، خشم خدای رحمان و جاودانگی در آتش.»<sup>(۸)</sup>

و فرمود بالاترین عذاب جهنم مال زن شوهرداری است که زنا می‌کند...

## آثار دنیوی زنا در کلمات معصومین:

1) **بی برکتی در زندگی:** رسول مکرم اسلام(ص): «زنا در هر خانه‌ای برود، برکت در آن وارد نمی‌شود»<sup>(۹)</sup>؛

2) **از بین رفتن نورانیت ظاهر:** امام صادق(ع): «زنا نورانیت چهره را از بین می‌برد»<sup>(۱۰)</sup>؛

<sup>۶</sup> - همان.

<sup>۷</sup> - از عالم بعد از مرگ چه خبر؟

<sup>۸</sup> - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۱۳.

<sup>۹</sup> أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يَعْمَرْ بِالْبِرَّةِ الْخِيَانَةُ وَ ۹- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ السَّرِقَةُ وَ شَرُّبُ الْخَمْرِ وَ الزَّنا». بحار الأنوار ج (ع) ۶، ۱۸ (ع) باب ۹۱، السرقة و الغلول و حدهما، ص: ۱۸۰

**(3) رفتن روح ایمان:** امام باقر(ع): «هنگامی که زانی زنا می کند روح ایمان از دل او بیرون می رود و...»<sup>(۱۱)</sup>؛

**(4) بی دینی:** رسول مکرم اسلام(ص): «زنا باعث نابودی دین است»<sup>(۱۲)</sup>؛

**(5) غضب الهی:** پیامبر مکرم اسلام(ص): «زنا باعث غضب الهی می شود»<sup>(۱۳)</sup>.

**(6) عدم استجابت دعا:** امام صادق(ع): «خداوند بر موسی وحی کرد، زنا نکنید در غیر این صورت نور الهی را از شما پوشیده می دارم و ابواب رحمت الهی با دعای شما گشوده نخواهد شد»<sup>(۱۴)</sup>.

**(ع) فقر و قطع روزی:** رسول خدا(ص): «زنا باعث فقر و قطع روزی می گردد»<sup>(۱۵)</sup>؛

**(8) بی آبرویی:** رسول خدا(ص): «زنا باعث بی آبرویی می شود»<sup>(۱۶)</sup>؛

**(9) بی عفتی و زنا با نزدیکان زنا کار:** امام صادق(ع): «اگر شر مرتکب شدی شر می بینی پس زنا نکنید تا با زنان و دخترانتان زنا نشود»<sup>(۱۷)</sup>.

**(10) قتل و جنایت و فساد مواریث، ترک تربیت و سرپرستی کودکان و...:** امام رضا(ع): «از جمله مفاسدی که خدا به خاطر آن زنا را حرام فرمود، قتل و خونریزی، از بین رفتن نسبها، فساد مواریث، ترک سرپرستی و تربیت اطفال و... است»<sup>(۱۸)</sup>.

**(11) ناله زمین و زمان:** امام باقر(ع): «زمین از غسل بعد از زنا به پیشگاه خدا ناله و ضجه می کند»<sup>(۱۹)</sup>.

<sup>10</sup> - «للزانی... فَيَذْهَبُ يَنْوِرُ الْوُجْهَ»؛ همان.

<sup>11</sup> إِذَا زَنَى الزَّانِي خَرَجَ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ...؛ همان. 7- «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

<sup>12</sup> - «وَالزَّانَا يَهْلِكُ الدِّينَ»؛ همان.

<sup>13</sup> فِي الزَّانَا خَمْسُ خِصَالٍ... يَسْخَطُ الرَّحْمَنُ»؛ همان. 9- «قَالَ النَّبِيُّ

<sup>14</sup> لَا تَزْنِي- فَأَخْجَبَ عَنْكَ نُورَ وَجْهِهِ وَتُغْلَقُ أَبْوَابُ 7 قَالَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى 7- «أَبَى جَعْفَرٍ

السَّمَاوَاتِ دُونَ دُعَائِكَ»؛ همان.

<sup>15</sup> - «الزَّانَا يُوْرَثُ الْفَقْرَ»؛ همان.

<sup>16</sup> الزَّانَا خَمْسُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوُجْهِ»؛ همان. 9- «قَالَ النَّبِيُّ

<sup>17</sup> - «قَالَ الصَّادِقُ(ع): وَ إِنْ شَرَّأَ فَشَرٌّ لَا تَزْنُوا فَتَزْنِي نِسَاؤُكُمْ وَ مَنْ وَطِئَ فِرَاشَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ

وَ طِئَ فِرَاشَهُ كَمَا تَدِينُ ثَدَان»؛ همان.

<sup>18</sup> - «عَنِ الرِّضَا(ع) فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ وَ حَرَّمَ اللَّهُ الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ

مِنْ قَتْلِ النَّفْسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرْكِ التَّزْيِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَ فِسَادِ الْمَوَارِيثِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ

مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ»؛ همان.

<sup>19</sup> - «عَمَّا عَجَّتِ الْأَرْضُ إِلَى رَبِّهَا عَرْزٌ وَ جَلَّ كَعَجِيجِهَا مِنْ ثَلَاثٍ... اغْتَسَالَ مِنْ زَنَاءٍ»؛ همان.

**12) از بین رفتن آبادانی شهرها:** پیامبر مکرم اسلام (ص): «زنا باعث می شود سرزمین های آباد و سرسبز خشک شود».<sup>(۲۰)</sup>

**13) زلزله:** امام صادق (ع): «زمانی که زناکاری امر ظاهری گردد زلزله زیاد می شود».<sup>(۲۱)</sup>

**14) در ردیف کشتن پیامبر و ویران کردن کعبه و...:** پیامبر مکرم (ص): «بنی آدم مرتکب عملی زشت تر و بدتر نزد خدای عز و جل نشده است از کشتن پیامبر یا خراب کردن کعبه، یا ریختن نطفه اش در رحم زنی که بر او حرام بوده».<sup>(۲۲)</sup>

**15) مرگ زودرس:** رسول خدا (ص): «زنا باعث مرگ زودرس و ناگهانی می گردد».<sup>(۲۳)</sup>

**16) مرگ ناگهانی:** رسول خدا (ص): «هرگاه پس از من زنا پدیدار شود مرگ ناگهانی فراوان گردد».<sup>(۲۴)</sup>

## عواقب اخروی زنا

**1) سختی حساب:** امام صادق (ع): «یکی از آثار اخروی زنا سختی حساب است».<sup>(۲۵)</sup>

**2) محرومیت زناکار از توجه و کلام و تزکیه الهی:** «در قیامت، خداوند پیری را که مرتکب زنا شود مورد خطاب قرار نمی دهد، از گناه پاک نمی کند و به او نظر نخواهد کرد».<sup>(۲۶)</sup>

**3) عدم قرب الهی:** خداوند متعال در روایت قدسی می فرماید: «زنا کار در قرب الهی، جایگاهی ندارد».<sup>(۲۷)</sup>

<sup>20</sup> الزَّانَا يورثُ الْفَقْرَ وَ يَدْعُ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ؛ همان. 9- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

<sup>21</sup> - «عَنِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ قَالَ إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ إِذَا فَشَا الزَّانَا ظَهَرَتْ الزَّلَازِلُ»؛ همان.

<sup>22</sup> لَنْ يَعْمَلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيًّا أَوْ 9- «قَالَ النَّبِيُّ إِمَامًا أَوْ هَدَمَ الْكُعْبَةَ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ قِبْلَةً لِعِبَادِهِ أَوْ أَفْرَغَ مَاءَهُ فِي امْرَأَةٍ حَرَامًا»؛ همان.

<sup>23</sup> - «الزَّانَا يَعْجَلُ الْفَنَاءَ»؛ الکافی، ج 5، باب الزانی..... ص: 541.

<sup>24</sup> إِذَا كَثُرَ الزَّانَا مِنْ بَغْيَى كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ»؛ وسائل الشیعه، ج 20، ص: 9.314- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

<sup>25</sup> - «لِلزَّانِي... فِي الْآخِرَةِ سُوءُ الْحِسَابِ»؛ همان.

<sup>26</sup> الْمُنْبَرِّ فَقَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يَزَكِيهِمْ وَ لَا يَنْظُرُ 9- «صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ شَيْخُ زَانَ وَ...».

<sup>27</sup> - «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى... لَا أُدْنِي مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ كَانَ زَانِيًا»؛ همان.

**4) انواع عذاب های دردناک و شدید<sup>(۲۸)</sup>:** پیامبر مکرم (ص): «و هر کس با زنی مسلمان، یا یهودی، یا نصرانی، یا مجوسی - آزاد باشد یا کنیز - زنا کند، و بعد توبه نکند و با اصرار باین عمل خلاف بمیرد، خداوند سیصد هزار دریچه بقبرش بگشاید که از آنها مارها و عقرب‌ها و شرارهای آتش به قبرش هجوم آورند، و او بدین وضع تا روز قیامت بسوزد، و چون از گور برخیزد از بوی بد و عفونت او همه مردم محشر در عذاب باشند، و بدان شناخته شود و به عملی که در این دنیا مرتکب می‌شده تا اینکه امر شود او را بدوزخ برند»<sup>(۲۹)</sup>.

**5) خلود در جهنم:** «زنا باعث خلود در جهنم است»<sup>(۳۰)</sup>.

امام صادق (ع): «خدا به حضرت موسی (ع) وحی کرد: زنا نکنید تا زنان شما هم زنا نکنند و کسی که با زنی زنا کند، با زنش زنا کنند پس همانطور که داده‌اید پس می‌گیرید!»

امام صادق (ع) فرمود:

«در زمان حضرت موسی (ع) مردی با زنی زنا کرد وقتی به خانه خویش آمد، مردی را با زن خود دید، آن مرد را نزد حضرت موسی آورد و از او شکایت کرد. در آن لحظه جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و گفت: هر کس به ناموس دیگران تجاوز کند به ناموسش تجاوز کند. حضرت موسی به آن دو فرمود: با عفت باشید تا ناموستان محفوظ بماند»<sup>(۳۱)</sup>.

رسول خدا (ص): «غضب خدا شدید است بر زن شوهرداری که چشمش را از نگاه به نامحرم پر کند که اگر این کار را کند همه اعمالش (اعمال خوب) نابود

- دهها روایت دیگر در زمینه قبح و مجازات‌های دنیوی و اخروی زنا وجود دارد که برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب شریف وسائل

الشیعه، ج 20، ص: 323 به بعد مراجعه کنید.

- «عن النبی (ص) فی حدیث المَنَاهِی قَالَ أَلَا وَ مَنْ زَنَى بِامْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ أَوْ يَهُودِيَةٍ أَوْ

نَصْرَانِيَةٍ أَوْ مَجُوسِيَةٍ حُرَّةً أَوْ أَمَةً ثُمَّ لَمْ يَتُبْ مِنْهُ وَ مَاتَ مُصِرًّا عَلَيْهِ فَتَخَّ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ فِي قَبْرِهِ ثَلَاثِمِائَةَ بَابٍ يَخْرُجُ مِنْهَا حَيَاتٌ وَ عَقَارِبٌ وَ ثُعْبَانٌ مِنَ النَّارِ فَهُوَ يَخْتَرِقُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - فَإِذَا بُعِثَ مِنْ قَبْرِهِ تَأَذَّى النَّاسُ مِنْ نَفْسِ رِيحِهِ فَيَعْرِفُ بِذَلِكَ وَ بِمَا كَانَ يَعْمَلُ فِي دَارِ الدُّنْيَا حَتَّى يُؤْمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَزَامَ وَ حَدَّ الْحُدُودَ فَمَا أَخَذَ أُغْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ».

- «يَخْلِدُ فِي النَّارِ نَعُودُ يَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ»؛ همان<sup>30</sup>.

- فروع کافی، ج 5، ص 553.<sup>31</sup>



می‌شود. و اگر در بستر غیر شوهرش بخوابد، برخدا لازم است که او را بعد از عذاب در قبر به آتش بسوزانند.<sup>(۳۲)</sup>

رسول خدا(ص): «کسی که با زن شوهردار زنا کند، در قیامت از عورت هر دو، چرکی به مسیر پانصد سال خارج می‌شود که تمام اهل جهنم از بوی بد آن اذیت می‌شوند و عذابشان از همه بیشتر است.»

### لواط کار با قوم محشور میشود...

عمر دستور داد که غلامی که ارباب خود را کشته بود، رابکشند. امیرالمومنین علی(ع) خبردار شد. غلام را خواست و به او فرمود: چرا او را کشتی؟ گفت: به زور با من لواط کرد! امیرالمومنین(ع) از اولیاء مقتول پرسید: او را دفن کردید؟

گفتند: آری! الان او را دفن کردیم. امام(ع) فرمود: بروید و سه روز دیگر نزد من بیایید! و به عمر فرمود: غلام را زندانی کن!

بعد از سه روز، امام(ع) به اتفاق عمر بر سر قبر مقتول رفتند و قبر او را شکافتند. ناگاه کفنش را بدون جسد یافتند! امیرالمومنین(ع) تکبیر گفت و فرمود: واللّه دروغ نگفته‌ام! به خدا سوگند! از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: هر شخصی از امت من لواط کند و بدون توبه بمیرد، او را سه روز بعد از دفن مهلت می‌دهند و سپس زمین او را فرومی‌برد تا به قوم لوط رساند و با آنان محشور شود!<sup>(۳۳)</sup>

آورده‌اند که: حضرت عیسی(ع) از گورستانی عبور می‌کرد. قبری دید که آتش از آن بیرون می‌آمد. عصا بر آن قبر زده، بشکافت! شخصی را در میان آتش دید. فرمود: چه کرده‌ای که دچار عذاب شده‌ای؟ گفت: مردی بودم که به دنبال زن‌های مردم می‌رفتم و کارهای ناشایست می‌کردم و زنا می‌نمودم! چون از دنیا رفتم، صدایی شنیدم که می‌گفت: او را بسوزانید! از آن روز مرا می‌سوزانند!

<sup>32</sup> - بحار الانوار، ج (ع) 6، ص 366.

<sup>33</sup> - مجمع المعارف و مخزن العوارف.

عیسی (ع) نگاهش به ماری سیاه و عظیم افتاد! پرسید: ای مار! با این مسکین چه می‌کنی؟ گفت: از آن زمان که وی را دفن کرده‌اند، یک لحظه از او غافل نبوده‌ام و با زهری که اگر یک قطره از آن را در رود نیل بریزند، همه آب‌های آن زهر قاتل می‌گردد، بر او مشغول هستم!<sup>(۳۴)</sup>

رسول خدا (ص): «کسی که با زنی نامحرم، از دبر نزدیکی نماید یا با مردی یا نوجوانی لواط کند، روز قیامت، بدبوتر از مردار، محشور می‌شود، و اهل محشر از بوی او ناراحتند و از او معذرتی قبول نمی‌گردد، سپس به جهنم می‌رود و همه اعمالش باطل می‌شود. در جهنم او را در تابوتی که میخ‌های آن از آهن است، گذاشته می‌شود و بر تابوت فرومی‌کنند، تا میخ‌ها در بدنش فرو میرود و اگر عرق او را بر چهارصد امت قرار دهند، همه می‌میرند و او از کسانی است که عذابش از همه بیشتر است!

کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، با غل و زنجیر محشور شده و به جهنم برده می‌شود!

کسی که با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه‌ای که با او سخن بگوید، هزار سال زندانی می‌شود و زن اگر راضی باشد و مرد را وادار به بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این سبب، دچار فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می‌باشد!

کسی که چشمش را خیره بر زن نامحرم نماید، در قیامت در حالی که میخ‌های آتشین بر چشمش فرو شده، محشور می‌شود و تا پایان حساب، به همین حالت است تا به دوزخ برده شود!<sup>(۳۵)</sup>

امام صادق (ع): «در روز قیامت، زنانی را که با هم مساحقه کرده‌اند، در حالی که لباس‌هایی از آتش در بر و مقنعه‌ای از آتش بر سر و عمودی از آتش در فرج آنهاست، آورده و وارد دوزخ می‌کنند!»<sup>(۳۶)</sup>

۳۴ - خوبی‌ها و بدی‌ها

۳۵ - از عالم بعد از مرگ چه خبر؟

۳۶ - همان.

امیرالمومنین(ع): «هر که لواط کند، روز قیامت، جُنب محشور شده و آب‌های دنیا او را پاک نکند و خدا بر او غضب و لعنت کند و جهنم را برای او آماده کند!»<sup>(۳۷)</sup>

## گناه لواط

در روایتی از پیامبر اسلام(ص) می‌خوانیم: «لما عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی بها حتی بلغ دموعها الی السماء، بکت السماء حتی بلغ دموعها الارض، فوحی الله الی السماء ان احصى بهم، و اوحی الی الارض ان اخسفی بهم؛ هنگامی که قوم لوط آن اعمال ننگین را انجام دادند، زمین آن چنان ناله و گریه سرداد که اشک‌هایش به آسمان رسید، و آسمان آن چنان گریه کرد که اشک‌هایش به عرش رسید، در این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد که آن‌ها را سنگباران کن و به زمین وحی فرستاد که آن‌ها را فرو بر (بدیهی است گریه و اشک جنبه تشبیه و کنایه دارد).»<sup>(۳۸)</sup>

همچنین در حدیثی از امام صادق(ع) می‌خوانیم که رسول خدا(ص) فرمود: «من جامع غلاما جاء جنبا یوم القیامه لا ینقیه ماء الدنیا و غضب الله علیه و لعنه و اعد له جهنم و ساءت مصیراً... ثم قال ان الذکر یرکب الذکر فیهتز العرش لذلك؛ هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند، روز قیامت ناپاک وارد محشر می‌شود، آن چنان که تمام آب‌های جهان او را پاک نخواهد کرد، و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمت خویش دور می‌دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است...؛ سپس فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش خدا به لرزه درمی‌آید.»<sup>(۳۹)</sup>

در حدیث دیگری از امام صادق(ع) می‌خوانیم: «آن‌ها که تن به چنین کاری می‌دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند؛ سپس اضافه فرمود: من نمی‌گویم

<sup>37</sup> - همان.

<sup>38</sup> - ثواب الاعمال، ص 264.

<sup>39</sup> - الکافی، شیخ کلینی، ج 5، ص 544.

از فرزندان آنها هستند، ولی از طینت آنها هستند. پرسیده شد: همان شهر سدوم که زیر و رو شد؟ فرمود: آری، چهار شهر بودند سدوم و صریم و لدنا و غمیرا (عمورا).<sup>(۴۰)</sup>

امام صادق(ع): «زن و شوهری را نزد امیرمؤمنان<sup>7</sup> آوردند که شوهر با پسر آن زن - از شوهر دیگرش - لواط کرده بود و به شهادت شهود، دخول کرده بود. امام دستور داد مرد با ضربات شمشیر به قتل برسد و آن نوجوان نیز کمتر از میزان حد، تازیانه بخورد.»<sup>(۴۱)</sup>

امام صادق(ع): «مردی را همراه پسر نوجوانی که با او لواط کرده بود، نزد امیرمؤمنان(ع) آوردند و بینہ نیز علیه آنها به این عمل زشت شهادت داد. امام(ع) فرمودند: ای قنبر! نطع(چرم) و شمشیری بیاور! آن گاه مرد و نوجوان با صورت روی آن فرش پوستی قرار داده شدند. سپس امر فرمود آن دو را با شمشیر به دو نیم کردند.»<sup>(۴۲)</sup>

---

<sup>40</sup> - همان، ج 5، ص 549.

<sup>41</sup> - همان.

<sup>42</sup> - همان.

## ضررهای جسمی و روحی استمناء و استشهائ (استمناء زن)

پزشکان و دانشمندان این آثار را برای کسانی که استمناء و استشهائ می‌نمایند، ذکر کرده‌اند:

1- زردرنگی و یا پریدگی رنگ

2- اختلال جهاز هاضمه و ابتلا به یبوست و بی‌اشتهایی

3- کم شدن قوهٔ هوش و حافظه و قوای مغزی

4- کم خونی

5- لاغری و توقف رشد

6- رعشه و ضعف اعصاب

ع- ضعف و بی‌فروغی چشم‌ها

8- سرگیجه

مرض‌های سل، نقرس و روماتیسم -9

تنفر از ازدواج -10

امام صادق(ع): «سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنان سخن نگوید و

آنان را مورد رحمت قرار نمی‌دهد: از جمله کسی که با دست خود

«استمناء کند و کسی که در عمل لواط، مفعول واقع شود

«.رسول خدا(ص): «کسی که با دست استمناء کند، ملعون است

- اسلام به منظور مقابله با این عادت ناپسند راه کارهایی را مطرح کرده است:
- 1- اجتناب از نگاه شهوت آمیز به پسران:** از نظر شرعی نگاه کردن از روی شهوت به جوانی که هنوز مو به صورتش درنیامده، حرام است. رسول اکرم (ص) فتنه جوان زیبا را از فتنه دختر باکره بیشتر دانسته است.<sup>(۴۳)</sup>
- 2- پرهیز از بوسه شهوت آمیز:** امام صادق (ع) از قول رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد، خداوند او را در قیامت به لجامی از آتش لجام میزند.»<sup>(۴۴)</sup>
- اگر مسلم شد کسی جوانی را از روی شهوت بوسیده، باید حد بخورد و حدش از سی تا نود تازیانه است. هر قدر که حاکم شرع صلاح بداند، او را میزند.
- 3- اجتناب از خوابیدن دو پسر در یک بستر:** رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بستر فرزندان خود را از سن ده سالگی جداسازید، یعنی دو برادر یا دو خواهر یا برادر و خواهر زیر یک لحاف ن خوابند.»<sup>(۴۵)</sup>
- 4- تقویت ایمان:** هم جنس بازی بر اثر طغیان غریزه جنسی انجام می‌شود و یاد خدا و یاد مرگ و تقویت ایمان از طریق ارتباط همیشگی با خدا و دعا و توسل در کنترل غریزه جنسی بسیار مؤثر است.
- 5- توجه به آثار و عواقب هم جنس بازی:** انسان به صورت طبیعی تمایل به جنس مخالف دارد. هر گونه کاری که تمایل طبیعی او را منحرف سازد، یک نوع بیماری تلقی می‌شود. از دست دادن احساسات طبیعی بر جسم و روح انسان تأثیر می‌گذارد. چه بسا افرادی که به این بیماری مبتلا باشند، گرفتار ضعف قوه جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی شوند.
- از امام صادق (ع) در مورد فلسفه تحریم لواط سؤال شد، فرمود: «اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زن‌ها بی‌نیاز می‌شدند و این باعث قطع نسل انسان می‌شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی می‌گشت و این کار مفسد زیاد اخلاقی و اجتماعی به بار می‌آورد.»<sup>(۴۶)</sup>

<sup>43</sup> - الکافی، شیخ کلینی، ج 5، ص 549.

<sup>44</sup> ، علی ابن بابویه، ص 2 (ع) 7.8 - فقه الرضا

<sup>45</sup> - تحریر الوسيله، حضرت امام خمینی، ج 1، ص 2 (ع) 4.

<sup>46</sup> - همان، ج 2، ص 469.

6- پرهیز از معاشرت با منحرفان: یکی از راه‌های گرایش به هم‌جنس‌بازی، معاشرت با کسانی است که به این عادت آلوده شده‌اند. برای درمان آن، لازم است از رفاقت با این افراد اجتناب شود.

### شوخی با نامحرم ممنوع!

الخراج و الجرائح - به نقل از ابو بصیر :- در کوفه به زنی قرآن می‌آموختم. در این بین با او در موردی شوخی کردم. هنگامی که نزد امام باقر(ع) رفتم، مرا نکوهش کرد و فرمود: «کسی که در خلوت، مرتکب گناه می‌شود، خداوند به او اعتنا نمی‌کند. به آن زن، چه گفتی؟  
چهره‌ام را از روی شرم پوشاندم و توبه کردم. امام باقر(ع) فرمود:  
«دیگر تکرار نکن»<sup>۴۷</sup>



امام(ع) از کار زشت او عصبانی شدند...

یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام به نام «ابو صباح کنانی» به خانه امام باقر علیه السلام آمد و کوبه در را کوبید. کنیز امام پشت در آمد و در را باز کرد. ابوصباح دست بر سینه کنیز نهاد و گفت: «به آقایت بگو».

«ابوصباح کنانی اجازه ورود می خواهد

امام باقر علیه السلام که از دست نهادن ابوصباح بر سینه کنیزش اطلاع یافته بود به قدری ناراحت شد که همان لحظه فریاد زد: «ادْخُلْ لَا امَّ لَک؛ ای بی مادر! وارد شو».

ابو صباح وارد خانه شد. امام را عصبانی و خشمگین دید. به عذرخواهی پرداخت.

امام با تندی به او فرمود: تو خیال می کنی این دیوارها مانع ما از آگاهی  
!به پنهانی هاست؟ چرا چنین کردی؟

فَإِيَّاكَ أَنْ تُعَادَ إِلَى مِثْلِهَا

بپرهیز از اینکه این کار ناپسند را تکرار کنی<sup>۴۸</sup>

---

بحار الانوار، ج 46، ص 248. [1] 48

## عفاف امام حسن مجتبی علیه السلام

ابن شهر در مناقب می نویسد که : در ابواء زنی بادیه نشین خدمت حضرت مجتبی (ع) رسید در آن حال امام حسن (ع) مشغول نماز بود نماز کوتاه نمود و فرمود : کاری داشتی ؟ جواب داد : آری . پرسید : حاجت تو چیست ؟ گفت : من زنی بی شوهرم به این مکان وارد شده ام و مایلیم از شما کام بگیرم ! حضرت (ع) فرمود : دور شو از من ! می خواهی مرا با خودت در آتش جهنم بسوزانی ؟ ولی آن زن پیوسته در صدد دل بردن از آن حضرت بود . حضرت شروع به گریه کرد و در این بین می فرمود : دور شو وای بر تو . کم کم گریه آن جناب شدید شد . زن که حال امام حسن مجتبی (ع) را مشاهده کرد او هم شروع به گریه نمود . امام حسین (ع) وارد شد ، دید برادرش با این زن هر دو گریه می کنند . سیلاب اشک امام حسن (ع) چنان برادر را تحت تاثیر قرار داد که او هم شروع به گریه کرد . عده ای از اصحاب حضرت آمدند هر کدام آن حال را مشاهده می کرد ، گریه آن ها را می گرفت تا این که صدای گریه ایشان بلند شد . زن بادیه نشین خارج گردید . اصحاب هم متفرق شدند . مدتی از آن پیشامد گذشت . حسین بن علی

(ع) از نظر عظمت و جلالت برادر خویش ، سبب گریه را نپرسید . نیمه شبی که امام حسن (ع) خواب بود ، ناگاه بیدار شده و گریه آغاز نمود . امام حسین (ع) پرسید : چه شده برادر جان ؟ امام حسن (ع) فرمود : خوابی دیدم و از آن جهت گریه می کنم . تفضیل خواب را جویا شد . حضرت فرمود : تا زنده ام به کسی مگو . یوسف صدیق را در خواب دیدم . مردم برای تماشای او جمع شده بودند من هم جلو رفته او را تماشا می کردم ، همین که حُسن و زیبایی اش را دیدم ، گریه ام گرفت . یوسف به سوی من توجه نمود و گفت : برادرم چرا گریه می کنی پدر و مادرم فدایت باد . گفتم : به یاد آوردم جریان تو را با زن عزیز مصر که چه رنج و مشقتی کشیدی ، به زندان افتادی ، پدر پیر و کهنسالت یعقوب در فراق تو چه دید ، برای آن گریه می کنم و در شگفتم از نیروی تو چه اندازه خودداری ؟ یوسف گفت : چرا تعجب نمی کنی از خودت راجع به آن زن بادیه نشین که او در ابواء با تو مصادف شد . چه حالی پیدا کردی ، دیدی چگونه اشک ریختی ؟

مناقب ابن شهر آشوب

دخترانی بی عفاف!

امیر مومنان علیه السلام فرمود:

در آخر الزمان و نزدیک شدن روز قیامت که بدترین زمان ها می باشد، زن هایی یافت می شوند که این صفات را دارند: کشف کننده حجاب، عریان، خارج شوندگان از دین، داخل شونده های در فتنه، مائل به شهوات، شتابان به لذت ها، حلال شمارنده محرمات می باشند و مغلّذ در جهنم هستند .

من لا يحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۳۹۰

## داستان توبه ثعلبه

روش پیامبر(ص) این که هر گاه می خواستند عازم جهاد شوند، میان دو نفر از یاران خود پیمان اخوت و برادری می بستند تا یکی از آنها به جهاد برود و دیگری در شهر بماند و کارهای لازم و ضروری را انجام دهد.

حضرت در جنگ تبوک میان سعید بن عبدالرحمن و ثعلۀ بن انصاری پیمان برادری بست و سعید در ملازمت پیامبر(ص) به جهاد رفت ، ثعلبه هم در مدینه ماند و عهده دار امور خانواده او گردید و هر روز مایحتاج زندگی خانواده سعید را مهیا می کرد.

در یکی از روزها که زن سعید در مورد کار لازم خانه از پشت پرده با او سخن می گفت ، وسوسه نفس ، هوس خفته ثعلبه را بیدار کرد و با خود گفت : مدتی است که این زن از پس پرده با تو سخن می گوید، آخر نگاهی بنما و ببین در پشت پرده چیست و گوینده این سخن کیست ؟ خیالات شیطانی و هوسهای نفسانی ، چنان او را تحریک نمود که جرات پیدا کرد و پرده را کنار زد و نگاهی خیانت آمیز به همسر سعید کرد و

مشاهده نمود، زنی است زیبا که فروغ حجب و حیا، رخسار او را محاطه کرده است. ثعلبه با همین یک نگاه شهوت آمیز چنان دل از دست داده و بیقرار شد که قدمهای خود را پیش نهاد و به زن نزدیک شد، آنگاه دست دراز کرد که با وی در آویزد، ولی در همان لحظه حساس و خطرناک، زن فریاد زد و گفت: ای ثعلبه! آیا سزاوار است که پرده ناموس برادر مجاهد خود را بدری؟ آیا شایسته است که او در راه خدا پیکار نماید و تو در خانه وی نسبت به همسرش قصد سوء کنی؟

این کلام مانند صاعقه ای بر مغز ثعلبه فرود آمد، فریادی زد و از خانه بیرون رفت و سر به کوه و صحرا نهاد. در دامنه کوهی شب و روز با پریشانی و بی قراری و گریه و زاری به سر می برد و پیوسته می گفت:

خدایا تو معروف به آمرزشی و من موصوف به گناهم. مدتها گذشت و او همچنان در بیابانها ناله و بی قراری می نمود و عذر تقصیر به پیشگاه خدا می برد و طلب عفو و آمرزش می کرد.

تا این که پیامبر گرامی اسلام (ص) از سفر جهاد مراجعت نمود؛ وقتی سعید به خانه آمد قبل از هر چیز احوال ثعلبه را پرسید. همسر وی

ماجرای وی شرح داد و گفت : هم اکنون در کوه و بیابان با غم و اندوه و ندامت دست به گریبان است . سعید با شنیدن این سخن از خانه بیرون آمد و برای جستجوی ثعلبه به هر طرف روی آورد. سرانجام او را یافت که در پشت سنگی نشسته و دست بر سر نهاده و با صدای بلند می گوید: ای وای بر پریشانی و پشیمانی ! وای بر شرمساری ! وای بر !!رسوایی روز رستاخیز

سعید نزدیک شد و او را در کنار گرفت و دلداری داد و گفت : ای برادر برخیز و با هم نزد پیامبر رحمت برویم ، این درد را دوایی و این رنج را شفای باید. ثعلبه گفت : اگر لازم است حتما به حضور پیامبر شرفیاب شوم باید دستها و گردن مرا با بند بسته و مانند بندگان گریزپا به خدمت پیامبر ببری . سعید ناچار دستهای او را بست و طناب در گردنش افکند و بدین گونه روانه مدینه شدند. ثعلبه دختری به نام لله لله حمصانه داشت ، چون خبر آمدن پدرش را شنید، دوان دوان به سوی او شتافت ولی همین که پدر را با آن وضع دید اشک تاءثر از دیدگانش فرو ریخت و گفت : ای پدر این چه وضعی است که مشاهده می کنم ؟



ثعلبه گفت : ای فرزند! این حال گناهکاران در دنیاست تا خجالت و رسوایی آنها در سرای دیگر چگونه باشد. همانطور که می آمدند از در خانه یکی از صحابه گذر کردند، صاحب خانه بیرون آمد و چون از جریان آگاهی یافت ، ثعلبه را از پیش خود راند و گفت : دور شو که می ترسم به واسطه خیانتی که مرتکب شده ای به عذاب الهی گرفتار شوی ، برو تا شومی عمل تو گریبان مرا نگیرد. همچنین با هر کس روبرو می شد او را بیم می داد و از خود می راند تا این که به حضور علی (ع) رسیدند، حضرت فرمود: ای ثعلبه ! آیا نمی دانستی که توجهات الهی نسبت به مجاهدین راه حق از هر کس دیگری بیشتر است ؟ اکنون به پیشگاه رسول اکرم (ص) برو شاید این خطای تو قابل جبران باشد

ثعلبه با همان وضع آمد و مقابل در خانه پیامبر(ص) ایستاد و با صدای بلند گفت لله لله المذنب ؛ یعنی گناهکار. حضرت اجازه دادند وارد شود و پس از ورود پرسیدند: ای ثعلبه ! این چه وضعی است ؟ از اینجا خارج شو با خدا راز و نیاز کن و طلب آمرزش نما. ثعلبه از خانه پیامبر بیرون آمد و روی به صحرا نهاد. دخترش جلو آمد و گفت : ای پدر! دلم سخت به حالت می سوزد می خواهم هر جا می روی همراهت باشم ولی چه کنم

که پیامبر(ص) تو را از نزد خود رانده ، من هم مجبورم که تو را برانم .  
ثعلبه در بیابانها می نالید و روی زمین می غلطید و پی در پی می گفت :  
خدایا همه کس ، مرا از پیش خود راند و دست ناامیدی بر سینه ام زد،  
ای مونس بی کسان اگر تو دستم را نگیری چه کسی دست مرا گیرد؟  
اگر تو عذرم را نپذیری چه کسی بپذیرد؟

چند روزی بدین حال در سوز و گداز به سر برد و شبی چند را به گریه و  
نیاز به پایان آورد، سر انجام هنگام نماز عصر، پیک حق آمد و این آیه را  
:بر حضرت محمد(ص) خواند

و الذین اذا فعلوا فاحشۃً او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و  
. من يغفر الذنوب الا الله ولم يصر على ما فعلوا و هم يعلمون

نیکان کسانی هستند که هر گاه کار ناشایستی از آنها سر زد خدا را به  
یاد آرند و از گناه خود به درگاه او توبه کنند، کیست جز خداوند که  
گناهان را بیامرزد؟ آنها کسانی هستند که بر انجام کارهای زشت اصرار  
نورزند؛ زیرا به زشتی گناهان آگاهند.

فرشته وحی ، جبرئیل امین عرض کرد: یا رسول الله ! خداوند می فرماید:  
از ما بخواه ثعلبه را پیامرزم ، پیامبر - ص - حضرت علی (ع) و سلمان را  
به دنبال ثعلبه فرستادند، در میان راه شبانی به آنها رسید. علی (ع)  
سراغ ثعلبه را از او گرفت ، چوپان گفت : شبها شخصی به اینجا می آید  
و در زیر این درخت می نالد. حضرت امیر(ع) و سلمان صبر کردند تا  
شب فرا رسید، ثعلبه آمد و در زیر آن درخت دست نیاز به سوی خالق  
بی نیاز دراز کرد و عرض کرد: خداوندا! از همه جا محرومم ، اگر تو نیز  
. مرا برانی به که رو آورم و چاره کار از کجا بخواهم

در این هنگام علی (ع) گریست ، آنگاه نزدیک آمد و گفت : ای ثعلبه !  
مژده باد تو را که خدا تو را آمرزیده و اکنون پیامبر(ص) تو را می  
خواند، آنگاه آیه شریفه که در مورد قبول توبه او نازل شده بود، قرائت  
فرمودند. ثعلبه بر خواست و همراه حضرت به مدینه آمده و مستقیماً  
وارد مسجد پیامبر شدند، حضرت مشغول نماز عشا بودند. حضرت  
امیر(ع) و سلمان و ثعلبه نیز اقتدا کردند و بعد از خواندن سوره حمد،  
پیامبر(ص) شروع به خواندن سوره تکاثر نمودند، همین که آیه اول را  
تلاوت فرمود

## الهکم التکاکثر

شما مردم را بسیاری مال و فرزندان سخت (از یاد خدا و مرگ ) غافل  
. داشته است

:ثعلبه نعره ای زد و چون آیه دوم را قرائت فرمود

حتى زرتم المقابر

تا آنجا که به گور و ملاقات اهل قبور رفتید، مجددا فریاد بلندی بر آورد

:و چون آیه سوم را شنید

کلا سوف تعلمون

به زودی خواهید دانست که پس از مرگ در برزخ چه سختیها در پیش  
دارید.

ناگهان ثعلبه ناله ای دردناک بر آورد و نقش بر زمین شد. بعد از نماز

پیامبر(ص ) دستور دادند: آب آوردند و به صورتش پاشیدند ولی او به

هوش نیامد و مانند چوب خشک روی زمین افتاده بود چون درست  
ملاحظه کردند، دیدند ثعلبه جان به جان آفرین تسلیم کرده است<sup>۴۹</sup>.

---

خزینة الجواهر، ص 330<sup>49</sup>

## علت انتخاب حجاب توسط بانوی تازه مسلمان غربی

یکی از خانم هایی که مسلمان شده اروپای غربی میگه علت اینکه من با حجاب شدم این بود دیدم که فاطمه زهرا خیلی به حجاب اهمیت می دادن. حضرت یه سوال هایی می پرسیدن که غیر عادی بود. مثلاً می گفتند یا رسول الله روز قیامت مردم چه جورن؟ آیا لباس دارند؟ پیامبر فرمود نه هیچ کس در قیامت لباس نداره چون تو دنیا این مسائل مطرح است اما تو قیامت کسی توجهی به این مسائل نداره. حضرت زهرا ناراحت شدند و فرمودند وای از رسوایی قیامت و خیلی اظهار ناراحتی کردند. خداوند مهربان به وسیله جبرئیل به پیامبر دستور داد که به فاطمه بگویند: ای زهرا! من او را در دو پوشش از نور محشور می کنم

ایا شما در بین زنها کسی سراغ دارید خانمی ناراحت بشه که من قیامت لباس ندارم

یا مثلا در زمان حضرت زهرا در مدینه تابوت نبوده بلکه نعش بوده  
دوتا چوب با یه تخته ای بوده بدن اون مرده که روش می گذاشتند  
حجم بدنش پیدا بوده.فاطمه زهرا ناراحته میگه اگر من بمیرم منو رو  
نعش بذارند بدنم پیدااست. بعد که اسماء خدمتکار حضرت زهرا عرض  
کرد که ما در حبشه تابوت دیدیم حضرت زهرا خوشحال شدن و وصیت  
کردن برا من تابوت درست کنید بدن منو تو تابوت بذارید ...  
ولی....

الان بعضی از خانما که می گن ما شیعه هستیم بعد چقدر خودنمایی می  
کنن چقدر پول می دن برای عمل دماغ برا دماغشون چقدر پول هزینه  
می کنند!

خب اگر پول اضافه دارند بدند به فقرا.

حضرت زهرا غذاشو میداد به فقیر با آب افطار می کردن شما اگه پول  
اضافه داری این همه فقیر تو شهرها هست.ما دیدیم مادر و دختر هر  
دوشون عمل دماغ کردند! بعضی از خانم ها بعد از دماغ میرن سراغ  
گونه !

## چه چیزی برای زن بهترین؟

روزی رسول خدا(ص) در مسجد سوال کرد چه چیزی برای زن بهترین  
؟

هر کی جوابی داد اما حضرت جوابهارو نپسندید

امیرالمومنین آمد خانه برای همسرش نقل کرد که امروز رسول خدا یه  
سوال پرسید هیچ کس نتونست جواب بده حضرت فاطمه فرمود سوال  
رسول خدا (ص) چی بود؟ امیرالمومنین(ع) فرمود پیامبر سوال کرد چه  
چیزی برای زن بهترین؟

حضرت زهرا فرمود بهترین چیز برای یه زن اینه که تا میشوداو مردی  
را نبینه و مرد هم او را نبیند!



## ازدواج در اول جوانی توصیه اسلام است....

درباره ازدواج هم روایتی که حضرت زهرا (س) نه سالگی ازدواج کرد  
الان به فلان خانم بگیم دخترت براش خواستگار بفرستیم؟ میگه نه اول  
باید بره دانشگاه درس بخونه بعد بره سر یه شغلی سر یه کاری بره بعد  
ازدواج کنه !

خب شما اگر پیرو فاطمه زهرا هستی حضرت زهرا نه سالگی شوهر  
کرد چهار تا بچه به دنیا آورده و یکی هم در شکم داشت که بوسیله  
دشمنان شهید شد. و ایشان الگوی همه زنان مسلمان هستند. باید از  
ایشان یاد بگیریم.

روزی جبرئیل به پیامبر گفتند که یا رسول الله دخترها مثل میوه هستند  
میوه وقتی که رسید باید چیده بشه. وقتی که رسید اگر نچیدی خراب  
میشه

بله ازدواج در اول جوانی گاهی در بعضی زوجها بعضی مشکلات اقتصادی است اما همه مشکلات با صبر و تلاش حل میشود انشاءالله.

به دستور اسلام باید عمل بکنیم ببینیم که پیشوایان ما چه توصیه هایی کردند چه فرمایشاتی داشتند اگر بخواهیم تو خانواده عفاف حاکم بشه باید دخترامونو زود شوهر بدیم و برا پسرامون زود زن بگیریم....

قال الله تعالى: و انكحوا الایامی منكم و الصالحین من عبادكم و اماءكم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم

پروردگار متعال میفرماید:

مردان بی زن و زنان بی شوهر، بردگان و کنیزان صالح را تزویج کنید. چنانچه آنان فقیر باشند، خداوند از فضل خود غنی و بی نیازشان میسازد. که خداوند رحمتش وسیع و به احوال بندگان خود آگاه است.

«سوره نور، آیه 32»

:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند

کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

مستدرک الوسائل، ج 14، ص 154

امام صادق علیه السلام فرمودند

هر کس از ترس فقر ازدواج نکند نسبتبه لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند میفرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان میکند.

من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 251

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند

بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند

من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 251

:از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است

هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار  
میکند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبائیش ازدواج نماید، در او  
چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر  
دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع میکند.

وسائل الشیعه، ج 14، ص 31

:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند

از نشانه های برکت زن آن است که خواستگاریش بی تکلف و آسان  
انجام گیرد.

کنز العمال، ج 16، ص 322، ح 44721

## رابطه نماز و عفاف

خدا در قران می فرماید:

**إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ** (عنکبوت / 45)

نماز (انسان را) از زشتی ها و منکرات باز می دارد

این نکته مهم این ایه مبارکه که نماز باعث عفاف میشود و ادم نماز خوان سراغ بی عفتی نمی رود با اندکی بررسی ثابت می شود.

معمولا افراد مسجدی و افراد نمازخوان اهل رابطه نامشروع و زنا و لواط و دوست پسر و دوست دختر نیستند!

خداوند حکیم در نماز مصونیت از کارهای زشت را قرار داده است.

البته نمازها رتبه بندی شده اند. اگر نماز با خشوع و با گریه باشد اصلا آدمی طرف گناه نمی رود. ولی اگر نماز بدون حضور قلب باشد اثرش کمتر است.

نقل شده جوانی از انصار، نمازش را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ادا می کرد اما با این حال مرتکب گناهان هم می شد. این موضوع را به

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادند؛ حضرت فرمود: سرانجام

..نمازش روزی او را از این اعمال باز خواهد داشت(تفسیر نمونه، ج 16، ص 286

وقتی زنان و دختران بی حجاب را مورد بررسی قرار می دهیم می بینیم  
اکثر آنها بی نماز هستند!یعنی اگر نمازخوان بودند بی حجاب نمی شدند.  
بعد که بی حجاب می شوند کم کم بی عفاف می شوند و روابط نامشروع  
برای آنها راحت می شود!

و در مورد پسران نیز همین صدق می کند. پسرانی که دنبال روابط  
نامشروع هستند اهل نماز نیستند و پسرانی که اهل نماز هستند دنبال  
رابطه نامشروع نمی روند.

پس باید نماز فرزندانمان را درست کنیم تا آنها را از نظر دوری از  
گناهان مصون نگه داریم.

ماهواره عفاف را از بین می برد...

سیصد و هشتاد شبکه موسیقی، 80 شبکه مد و لباس غربی و 120 شبکه

فارسی زبان نیز به منظور مقابله با فرهنگ ایرانی و اسلامی در حال

فعالیت هستند که مخاطب آن ها دختران و زنان مسلمان است تا از این

راه حیا و عفاف و حجاب در میان آن ها کمرنگ و محو شود

خانواده ای که دنبال عفاف هستند نباید ماهواره داشته باشند.

دختر خانمی می گفت ما تو خونه اصلا تلویزیون ایران رو نمی بینیم. فقط

ماهواره!

بعد این دختر حجابش خوب نبود. دوست پسر داشت و ....

ماهواره باعث افزایش طلاق میشود. ماهواره باعث افزایش روابط

نامشروع میشود. فیلمها و سریال های ماهواره فقط برای از بین بردن

کانون خانواده ها درست می شوند. لذا اکثرا در انها روابط نامشروع

بصورت عادی و بدون مشکل ترویج می شود.

حتی زنان شوهر داری که با مردان دیگر ارتباط دارند به عنوان یک عمل  
عادی و راحت و بدون مشکل ترویج می شود...



امام زمان علیه السلام فرمود مانند این بانو باشید...

پدر آیت الله سیستانی از علمای مشهد بودن آقای سیستانی مال مشهد هستن فامیلیشون سیستانی است.

پدرشون خیلی مشتاق میشه امام زمان رو زیارت کنه یه ترفندی به کار می بره می گه چهل جمعه هر جمعه برم تو یه مسجدی در مشهد نماز امام زمان زیارت عاشورا بخونم شاید آقای عنایتی به ما کرد اجازه تشریف دادند.

ترفند می گیره چهلمین جمعه

یک نفر میاد میگه آقا شما رو احضار کرده فلان جا برید مییره منزلی که حضرت هستند در مشهد وارد میشه یه صحنه عجیبی می بینه. امام زمان ایستاده می خواد نماز بخواند بر بدن یک میت خانم

به آقا سلام می کنه عرض می کنه آقا ما خیلی برای دیدن شما تلاش کردیم دیدن شما خیلی سخته آقا می فرماید مثل این خانم باشید من خودم سراغ شما میام

تعجب می کنه خانم کیه چکار کرده آقا چه فضیلتی خانم داشته ؟  
فضیلتش چیه؟

امام زمان فرمود وقتی که رضاخان کشف حجاب اجباری کرد خانوما تو  
خیابون می رفتن پلیسا روسری از سرشون بر می داشتن چادر بر می  
داشتن اگه فرار می کردن تو خانه تا تو خانه هم میومدن پلیسا  
این خانم برای اینکه چادر از سرش برندارند تا آخر عمرش از خونه  
دیگه بیرون نرفت تا از دنیا رفت. یعنی نه مراسم عروسی فامیل نه  
مراسم عزای فامیل نه هیچ کاری نه بازار کلا دیگه از خانه بیرون نرفت  
تا از دنیا رفت

اینا ارزش هست پیش اهل بیت پیش خدا این ارزشه

## امام(ع)فرمود انجا را تخلیه کن و نماز!

محمد طیار از یاران امام صادق علیه السلام می گوید وارد مدینه شدم، چون برای مدتی می خواستم در آنجا سکونت کنم، دنبال منزلی برای اجاره می گشتم. خانه ای پیدا کردم که دارای دو اتاق بود که با یک در از یکدیگر جدا شده بودند. یکی از اتاق ها در اختیار زنی جوان بود. به دلیل آنکه این دو اتاق به یکدیگر راه داشتند، از اجاره آن منصرف شدم و صلاح ندیدم در منزلی که زنی جوان زندگی می کند، خانه بگیریم. اما آن زن گفت اگر شما این اتاق را اجاره کنی من در را می بندم. من نیز به این شرط پذیرفتم. اما بعد از سکونت، آن زن به بهانه اینکه می خواهد از نسیم هوا استفاده کند در اتاق را باز می گذاشت. در برابر درخواست اکید من برای بستن در مقاومت کرد و حاضر به این کار نشد. به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم و ماجرا را با ایشان در میان گذاشتم. آن حضرت فرمود: «تَحَوَّلْ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ إِذَا خُلِّيَا فِي بَيْتٍ كَانَ

ثَالِثُهُمَا الشَّيْطَانُ «از آنجا به جای دیگر برو؛ زیرا هیچ مرد و زنی در  
مکانی خلوت نکنند مگر آنکه شیطان سومی آنها باشد

## عفاف در خانواده

زن با نامحرم حتی برادر شوهر یا پسر دایی و.. شوخی نکند. قهقهه نزند. مقابل پدر و برادر لباس سنگین بپوشد و لباس تنگ و ساپورت و لباس تحریک کننده جلو او نپوشد. زن نباید به هیچ وجه از حجابش کوتاه بیاید. حتی اگر شوهر بگه جلو دوستانم روسری نپوش گوش نده و مقابل نامحرم با حجاب باشه.

تا ضرورت نشده بیرون نره و وقتی هم بیرون میره سعی کنه تو بازار و از جلو مغازه ها نره بلکه از کوچه ها بره.

و....

خانمی مذهبی می گفت دو تا دخترم دوست پسر دارند! گفتم اینکه حرامه لااقل صیغه محرمیت بخونند! گفت نه صیغه خطرناکه ولی از دور مراقبشون هستم!

اقایی می گفت یه سوال:

چه جور میشه خانمی که عروس و داماد داره.شوهرش خوش اخلاق ادم  
خیلی خوبیه ولی یکدفعه زن درخواست طلاق می کنه و علتی هم ذکر  
نمی کنه؟

گفتم احتمالا پای مرد دیگری در میونه!

دختری می گفت مادرم با مرد بیگانه ارتباط داره چه جور جلوشو بگیرم؟  
آقای می گفت برادرم خونه زن شوهر دار میره و ارتباط داره چه جور  
جلوشو بگیرم؟؟؟

زن شوهر دار به نامحرم پیام داد فدات. مرد جواب داد همه فدای امام  
.. زمان بشیم

نباید زن شوهر دار استیکر قلب برا نامحرم بفرسته!

نباید زن شوهر دار از نامحرم پول یا هدیه قبول کنه!

**مهمانی ها را مواظب باشیم!**

مهمانی هایی که صورت می گیره بعضا درست نیست. ما رو برای عقد  
دعوت کردن مجلسی. رفتیم می بینیم که آقایون اون ور نشستن. خانوما

این ور همه بهم نگاه می کنن گفتم تا این خانمها رو سری سر نکنند من عقد نمی کنم! اونا هم موقتاً روسری سر کردند!

ولی می خوام بگم که چه جوری میشه تو مجلسی که همه مسلمان همه شیعه بودن خانمها بی روسری. اینا از یه استان دیگه اومده بودن خواستگارو همراهانش نامحرم بودن و چه جوری میشه که خانوما با دامن با لباس های زیبا آرایش کرده جلوی مردا بشینند؟

اینه که مهمانی های ما باید درست بشه

بنده جایی دعوت بود با حاج خانوم

صاحب خانه گفت دور هم بشینیم گفتم خانما جدا جدا باشند.

حضرت امام نشستن زن و مرد نامحرم ولو مثل دختر دایی باشه دختر عمه باش زن داداش باشه سر یک سفره حرام می دونستند.

اگر ما این دستورات عمل کنیم آمار طلاق میاد پایین آمار ازدواج میره بالا. خودکشی ها دعواها جنایت ها همه از بین میره

## امام رضا علیه السلام دختر پنجساله رو بغل نکرد

آقا امام رضا(ع) نشستن تو مجلسی اصحابم دور حضرت نشستن یه آقای با دختر بچه اش وارد شد چون یک دختر بچه خیلی نازی بود از کنار هر کسی رفع میش بغل روپا میش بوسش می کرد غرضی هم نداشتم خیلی دختر نازی بود تا رسید به امام رضا(ع) حالا انتظار دارن امام رضا(ع) این دختر رو بغل کنه ببوسه آقا فرمود به باباش چند سالشه باباش گفت پنج سالشه. امام فرمود دیگه نمی شه این رو بوسید و او را از خودشون دور کرد

چرا حضرت این حرکت رو انجام دادن درسته اونایی که این کارو انجام دادن غرضی نداشتن ولی گاهی شیطان از همین راه وارد میشن مگه ما نداشتیم یکی از شهرها آقای که متاهل بود همسر داشت دختر بچه رو دزدید بهش تجاوز کرد بعدم کشتش قاتل رو اعدام کردن

بنابراین این دستوراتی که در مورد حجاب هم به صورت آیات قرآن در چندین سوره قرآن در هفت سوره قرآن درباره حجاب آمده و هم عمل پیامبر خدا(ص) و امیرالمومنین(ع) و بزرگان ما رفتارهایی که داشتن



نشون داده که حجاب و عفاف در راس امور اسلام است. از واجبات و از

ضروریات هست اگر ماها انجام بدیم سالم میمون و اگر بهش توجه  
نکنیم به مسئله محرم و نامحرم بی توجهی بکنیم دچار آسیب میشویم

خانم میگه حاج آقا! شوهر من میگه رفقا میان خونه. تو نباید روسری  
سرت باشه! باید جلو رفقا بی روسری باشی

اسلام میگه نه باید جلو همه نامحرما روسری سر زن باشه

چرا اسلام اینجور میگه؟ چون میخواد روزی نرسه که پریشان و گریان  
بشی!

عصری تو مسجد امیرالمومنین بلوار نشسته بودم یه آقای آمد پیش من  
جوانی بود گفت فلانی سه روزه دارم اشک می ریزم

گفتم چی شده چه مصیبتی برات پیش آمده؟

گفت فهمیدم رفیقم با همسر ارتباط داره

من با این زن چکار کنم؟

گفتم الان که خانمت متوجه شده شما فهمیدی چی میگه!

گفت دو بار خودکشی کرده الانم یه نفر پیشش گذاشتیم خودشو نگشه  
من با این زن چی کار کنم گفتم آقا خودت مقصری!

وقتی که رفیقت آمد خونت. سر یه سفره نشست!

رو مبل مقابل هم نشست

خلوت با نامحرم صورت گرفت و شما بیرون رفتی خانم با ایشان تنها  
بوده

اگه با روسری با چادر باشه عقب ماندگیه یعنی علامت عقب موندگیه به  
قول شهید مطهری می گفت اگر برهنه بودن تمدن است پس حیوانات از  
همه متمدن ترند!

پس این دستوراتی که خدا داده همه ما باید تا آخر عمرمون عمل بکنیم  
و این دستورات مثل دستورات یه پزشک می مونه.

شما مریض شدی رفتی دکتر میگه این غذا رو بخور این غذا رو نخور  
این کارو بکن. چون دکتر دلسوز شماست خیرخواه شماست می خواد  
شما خوب بشید شما میگی چشم.

خداوند هم مثل طیب می مونه. پیامبر طیب دوار پیامبران طیب بودن  
امامان ما علمای ما هم طیب هستند.

### مسئله کنترل چشم تاثیر مهمی در عفاف دارد

خدا فرموده ای پیامبر به مومنین بگو چشاتونو مواظب باشین !

اگر مواظب نگاه نباشین دچار مشکل میشین.

آقا سه تا برادر بودن برادر بزرگ تر ده سال موذن بودوقتی مرد مردم  
اومدن سراغ برادر دوم که اذان گوی ما باش.اونم ده سال موذن بود  
.وقتی مرد.

مردم اومدن سراغ برادر سومی که تو موذن ما باش! گفت من اگر تمام  
دنیا رو بدید اذان نمی گم گفتند آقا چرا گفت برای اینکه این دو تا  
برادر من با کفر مردن!

مردم تعجب کردن یعنی چی؟

گفت برادر بزرگ موقع مردن بالا سرش بودم براش خواستم قرآن  
بخونم گفت قرآن نخون خدا چیه بهشت چیه جهنم چیه و با کفر مُرد  
برادر دوم به همین صورت با کفر مرد!

من ناراحت شدم از خدا خواستم خدایا راز این دو برادر را برای من فاش  
کن اینا بیست سال دو نفری اذان گفتن چه جور شده اینا با کفر مردن  
گفت در خواب برادرا رو دیدم تو جهنم ازشون سوال کردم شما چرا با  
کفر مردید گفتند چون زمان اذان میشد برا اذان می رفتیم رو  
ماذنه(مناره)در همون حال به خانه های مردم چشم چرانی می کردیم  
زنایی که تو حیاط بودن اونا رو دید می زدیم بر اثر چشم چرانی با کفر  
مردند!

هشتاد درصد گناهان ما بر اثر چشمه!

اگه چشممون رو کنترل کنیم روایت داریم از اکثر گناهان نجات پیدا  
می کنیم .باید چشم را از حرام دور کنیم!

آیت الله عبداللهی مسجد صباغ نماز می خواندند گفتند که استاد ما آقا  
رحیم ارباب فرمودند من بیش از چهل سال خواهر زنم تو خانه ما زندگی  
می کرد یک بار به صورت خواهر زن نگاه نکردم

آیت الله مرعشی نجفی فرمودند من هفتاد سال به نامحرم نگاه نکردم  
اینا اولیا خدا بودن

یکی از علما رفته بود مشهد خیلی به امام رضا(ع) اصرار کرد آقا من می  
خوام شب قدر رو درک کنم چکار کنم خیلی اصرار کرد. خیلی حرم می  
رفتن

یکدفعه به قلبش الهام شد اگر می خواهی شب قدر رو درک کنی چشمتو  
کنترل کن. میگه شروع کردم کنترل چشم حتی به مادرم نگاه نمی کردم  
اون سال شب قدر را درک کردم

یک جوانی آمد پیش روحانی. گفت آقا من عادت کردم به چشمچرانی.  
دست خودم نیست شما به من یه راه حلی نشون بدید من این عادت بد  
رو ترک کنم

طلبه گفت برو فردا بیا

فردا اومد .طلبه یه کوزه ای بهش داد پر از شیر گفت شما باید این شیر  
رو از این محله ببری فلان محل و به فلان شخص تحویل بدی این آقا هم  
با گرز همراسته یه قطره شیر بریزه تو کله ات میزنه !

آقا کوزه رو برد و سریع و سالم بدون که یه قطره شیر بریزه تحویل  
داد و آمد گفت خب کاری که گفتی کردم طلبه گفت توراه چند تا  
دختر دیدی؟ جوان گفت هیچی!

گفت چرا اینهمه دختر سر راهت بود هیچکدامون دیدی؟ جوان گفت  
همش حواسم به این بود که شیر نریزه. کتک نخورم!

گفت بنده خدا! عالم و دنیا هم همین جوهره شما یه نگاه بکنی اینجاست  
ملک هست طرف چپت یک ملک هست خدا هست پیامبر شاهده. امام  
شاهده. شهدا شاهدن همه دارن می بینن !

جوان گفت فهمیدم فهمیدم اون که باید بفهمم

بدانیم یه خالقی هست همه اعمال مارو می نویسند

ان السمع و البصر و الفواد اولئک کان عنه مسولا

گوش و چشم و دل در قیامت مورد سوال واقع میشوند.

سوء ظن هایی که داریم به همدیگه بدگمان هایی که داریم تهمت ها

همه اینا ثبت میشه

».

## شوخی با نامحرم از بی تقوایی در گفتار حکایت دارد

یکی از موارد بسیار زیاد بی تقوایی در گفتار، مربوط به شوخی های کلامی است که بین زن و مرد نامحرم صورت می گیرد. در ادارات و بیمارستان ها و شرکت هایی که زن و مرد مشغول بکارند بعضی افراد رعایت مسایل شرعی را نمی کنند و با نامحرم شوخی می کنند. این شوخی از نظر اسلام جایز نیست.

یکی از علمای مشهد می فرمود : روزی در [?] عاقبت شوخی با نامحرم [?] محضر مرحوم حجت الاسلام سید یونس اردبیلی بودیم ، جوانی آمد و مسئله ای پرسید . گفت مادرم را دو روز پیش دفن کردم هنگامی که وارد قبر شدم و جنازه مادرم را گرفته خواستم صورت او را روی خاک بگذارم کیف کوچکی که اسناد و مدارک و مقداری پول و چک هایی در آن بوده از جیبم میان قبر افتاده آیا اجازه می دهید نبش قبر کنیم تا مدارک را برداریم و تقاضا کرد که نامه ای به مسئولین قبرستان بنویسند که آنها اجازه نبش قبر بدهند ، ایشان فرمود همان قسمت قبر را که می دانید مدارک در آنجاست بشکافید و مدارک را بردارید و نامه ای برای او



نوشت . بعد از چند روز آن جوان را دوباره در منزل آقای اردبیلی دیدم ، آقا از او پرسیدند آیا شما کارتان را انجام دادید و به نتیجه رسیدید ، او غمگین و مضطرب بود و جواب نداد . بعد از آنکه دوباره اصرار کردند گفت : وقتی قبر را نبش کردم دیدم مار سیاه باریکی دور گردن مادرم حلقه زده و دهانش را در دهان مادرم فرو برده و مرتب او را نیش می زند ، چنان منظره وحشتناکی بود که من ترسیدم دوباره قبر را پوشاندم . از او پرسیدم آیا کار زشتی از مادرت سر می زد ؟ گفت من چیزی بخاطر ندارم ولی همیشه پدرم او را نفرین می کرد زیرا او در ارتباط با نامحرم بی پروا بود و با سر و روی باز با مرد نامحرم روبرو می شد و بی پروا با او سخن می گفت و در پوشش و حجاب رعایت قوانین اسلامی را نمی کرد . با نامحرمان شوخی می کرد و می خندید و از این جهت مورد عتاب و سرزنش پدرم بود .

و از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نقل شده است که  
فرمودند:

مَنْ فَاكَهُ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا - حُبْسَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي  
(النَّارِ؛ (بحار.ج.73.ص.363

کسی که با زن نامحرمی مزاح کند، به ازای هر کلمه ای که با او سخن  
گفته، هزار سال در دوزخ حبس می شود

ابابصیر، از شاگردان امام صادق (علیه السلام) می گوید در کوفه به زنی  
قرآن می آموختم و روزی اتفاق افتاد که با او مزاح کردم. هنگامی که در  
مدینه به محضر امام باقر (علیه السلام) وارد شدم، مرا سرزنش کرد و  
فرمود:

مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَغْبَأِ اللَّهَ بِهِ - أَى شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ -  
فَغَطَّيْتُ وَجْهِي حَيَاءً وَ تُبْتُ - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَا تَعُدْ  
(؛(بحار.ج.46.ص.247

کسی که در خلوت مرتکب گناه شود، خدا به او اعتنا نمی کند. چه چیزی  
به آن زن گفتی؟ - از خجالت چهره خود را پوشاندم و توبه کردم -  
.....حضرت فرمود: دیگر تکرار مکن

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أَنَّهُ كَانَ مِمَّا يَأْخُذُ عَلَى النِّسَاءِ  
فِي الْبَيْعَةِ أَنْ لَا يَتَحَدَّثَنَّ مَعَ الرِّجَالِ إِلَّا ذَا مَحْرَمٍ

از جمله مواردی که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم از زنان عهد  
گرفت و بر همان با آنان بیعت کرد این بود که با غیر از محارم خود  
گفتگو نکنند.

با نامحرم در ضرورت تا پنج کلمه صحبت کردن جایز است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ  
زَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم از سخن گفتن زن نزد  
غیرشوهرش و غیرمحارمش بیشتر از پنج کلمه که بدان ناچار است در  
غیر مورد ضرورت، نهی فرمود.....

یکی از مومنین سوال کرده: ما با دختر خاله ها و دختر دایی ها از

کوچیکی با هم بزرگ شدیم

مثل خواهر برادریم

گاه‌ها میان شب نشینی دور هم شوخی‌هایی هم میکنیم؟..در جواب باید  
بگوییم که شوخی با نامحرم حتی اگر دخترخاله و دختر دایی و...باشد  
اشکال دارد

پیامبر (صل الله علیه وآله وسلم) فرمود: کسی که زشتی یا عمل  
شهوترانی بر او عرضه شود و از خوف خدا از آن اجتناب نماید خدای  
رئوف آتش جهنم را بر او حرام می‌کند او را از جزع و فزع اکبر روز  
قیامت در امان خواهد داشت

از آخوند همدانی نقل شده که با چشمان خود دیدم که در کربلا صحن  
ابوالفضل (علیه السلام) بچه‌ای از بالای منار و یا بام پرت شد و پدرش با  
دست اشاره کرد و گفت بمان ، بچه در هوا معلق ماند پس نردبان  
گذاشت و او را از هوا گرفتند پس از این جریان فهمیدم که پدرش آدم  
فوق العاده‌ای است به سراغ او رفتم پرسیدم شما چه کاره اید گفت من  
حمالم و بار می‌برم از اول جوانی تصمیم گرفتم هیچ گناهی نکنم و

نکردم. یک عمر خدا فرمود اطاعت کردم حالا یک دفعه من از خدا  
خواهش کردم و او محبت کرد

عالم محضر خدا ست در محضر خدا گناه نکنید

مردی حبشی در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: یا  
رسول الله! گناه بسیار دارم، آیا می توانم توبه کنم و توبه من قبول می  
شود؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری خداوند می پذیرد  
مرد حبشی گفت: در آن وقت که گناه می کردم، آیا خدا مرا می دید؟  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری او ناظر و شاهد بر  
تو بود.

ناگهان مرد گناهکار، آه بلندی کشید، نعره ای زد و جان داد

حجاب امنیت می آورد: در ایه 59 سوره احزاب به فایده امنیت زنان  
بخاطر حفظ حجاب تصریح شده: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ  
نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا  
يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» ایه 59 احزاب

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که جلباب ها «  
[روسی های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این برای آنکه شناخته  
شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا  
آمرزنده و مهربان است».... این مساله ثابت شده که زنانی که پوشیده  
هستند خیلی کمتر مورد آزار و اذیت مردان بد قرار می گیرند ولی زنانی  
که لباس نامناسب دارند و باصطلاح حجاب ندارند اینها اکثرا مورد آزار  
زبانی و جسمی قرار می گیرند. پس یکی از مهم ترین علت وجوب  
حجاب انست تا زن مورد اذیت قرار نگیرد... «آنتونی گیدنز» می گوید:  
«در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت

طولانی به آزار جنسی دچار می شوند»...از طرفی برهنگی زنان باعث میشود ازدواج کم شده و طلاق بالا می رود: آمارهای قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی در جهان طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است؛ چرا که «هر چه دیده بیند دل کند یاد»....در اتحادیه اروپا مخصوصا سوئد و دانمارک در این مورد در راس هستند: به ترتیب ۸۰ و ۸۱ درصد زنان در این دو کشور آزار و اذیت‌ها را گزارش کرده‌اند..... وقتی زنان با حفظ پوشش کامل و رعایت عفاف در جامعه حضور می یابند، مردان هوسباز دیگر حتی تصور اذیت و آزار آنها را به ذهن خودشان راه نمی دهند و پایشان را از حریم شخصی زندگی آنها عقب می کشند. اما زنی که در جامعه بدون پوشش ظاهر شده و هیچ محدودیتی برای خود در مقابل نگاه مردان نامحرم قائل نیستند با این اقدام به مردان هوسباز اجازه می دهند که جرات ایجاد اذیت و آزار را به خود بدهند. امام رضا(ع) نیز در ضمن روایتی، دلیل حجاب زنان را پیشگیری از تحریک مردان و بروز مشکلات امنیتی ناشی از آن دانسته‌اند (وسائل الشیعه: ج 2، ص 193).

...لذا همه ما باید بدانیم اگر در جامعه حجاب رواج یابد و سایر نابسامانی

ها نیز سامان پیدا کند، جامعه از نظر پاکی خانواده ها و حفظ ارزش زن  
....به مرحله مطلوب خواهد رسید

جوانک شاگرد پارچه فروش، بی خبر بود که چه دامی در راهش  
گسترده شده. او نمی دانست این زن زیبا و متشخص که به بهانه خرید  
پارچه به مغازه آنها رفت و آمد می کند، عاشق دلباخته او است، و در  
قلبش طوفانی از عشق و هوس و تمنا بر پاست

یک روز همان زن به در مغازه آمد و دستور داد مقدار زیادی جنس  
بزاری جدا کردند، آنگاه به عذر اینکه قادر به حمل اینها نیستم، به علاوه  
پول همراه ندارم، گفت: ” پارچه ها را بدهید این جوان بیاورد، و در خانه  
.” به من تحویل دهد و پول بگیرد

مقدمات کار قبلاً از طرف زن فراهم شده بود، خانه از اغیار خالی بود، جز  
چند کنیز اهل سر، کسی در خانه نبود. محمد بن سیرین – که عنفوان  
جوانی را طی می کرد و از زیبایی بی بهره نبود – پارچه ها را به دوش



گرفت و همراه آن زن آمد. تا به درون خانه داخل شد در از پشت بسته شد.

ابن سیرین به داخل اطاقی مجلل راهنمایی گشت. او منتظر بود که خانم هر چه زودتر بیاید، جنس را تحویل بگیرد و پول راپردازد. انتظار به طول انجامید. پس از مدتی پرده بالا رفت. خانم در حالی که خود را هفت قلم آرایش کرده بود، با هزار عشوه پا به درون اطاق گذاشت.

ابن سیرین در یک لحظه کوتاه فهمید که دامی برایش گسترده شده خواهش کرد، فایده نبخشید. گفت چاره‌ای نیست باید کام مرا برآوری. و همین که دید ابن سیرین در عقیده خود پا فشاری می‌کند، او را تهدید کرد، گفت: ”اگر به عشق من احترام نگذاری و مرا کامیاب نسازی، الان فریاد می‌کشم و می‌گویم این جوان نسبت به من قصد سوء دارد. آنگاه “معلوم است که چه بر سر تو خواهد آمد

موی بر بدن ابن سیرین راست شد. از طرفی ایمان و عقیده و تقوا به او فرمان می‌داد که پاکدامنی خود را حفظ کن. از طرف دیگر سر باز زدن از تمنای آن زن به قیمت جان و آبرو و همه چیزش تمام می‌شد. چاره‌ای

جز اظهار تسلیم ندید. اما فکری مثل برق از خاطرش گذشت. فکر کرد یک راه باقی است، کاری کنم که عشق این زن تبدیل به نفرت شود و خودش از من دست بردارد. اگر بخواهم دامن تقوا را از آلودگی حفظ کنم، باید یک لحظه آلودگی ظاهر را تحمل کنم. به بهانه قضاء حاجت، از اطاق بیرون رفت، بعد از کمی با سر و صورت و لباس آلوده از دستشویی برگشت. و به طرف زن آمد. تا چشم آن زن به او افتاد، روی درهم کشید و فوراً او را از منزل خارج کرد. محمد خود را به نزدیکی آب روانی رساند و خود را شست، تنش برای همیشه بوی عطری بر خود گرفت از هر جا که عبور می کرد همه متوجه می شدند که محمد ابن سیرین از اینجا گذشته است. آری محمد با این نقشه پای بر نفس خویش نهاد و پوزه شیطان را بخاک مالید و از مهلکه نجات یافت. محمد همان ابن سیرین معروف است که به تعبیر خواب معروف است. بزرگان و عارفان گویند هر که بر شهوت خویش غلبه کند خداوند چون حضرت یوسف بر او علم خوابگزاری عطا نماید. و او نیز یکی از همان مردان بزرگ و وارسته است

## من «خدای زیبایی دارم»

حضرت آیت‌الله بهجت که در حوزه علمیه نجف مشغول فراگیری علوم حوزوی بود بیمار می‌شود و برای مداوا به بیمارستانی در بغداد منتقل و بستری می‌شود.

پرستار آیت‌الله بهجت یک زن مسیحی بود و دید ایشان هیچ توجه‌ای به او ندارد. پرستار از طلبه جوان پرسید؛ چرا به من توجه نداری، مگر من زیبا نیستم؟! طلبه در پاسخ گفت: من «خدای زیبایی دارم»، می‌ترسم اگر! به تو توجه کنم، او [خدای صاحب جمال] به من توجه نکند

## قصه شاهزاده و میرداماد

شب طلبه جوانی به نام محمد باقر در اتاق خود در حوزه علمیه مشغول مطالعه بود به ناگاه دختری وارد اتاق او شد در را بست و با انگشت به طلبه بیچاره اشاره کرد که ساکت باشد.

دختر گفت : شام چه داری ؟

طلبه آنچه را که حاضر کرده بود آورد و سپس دختر در گوشه ای از اتاق خوابید و محمد به مطالعه خود ادامه داد .

از آن طرف چون این دختر شاهزاده بود و بخاطر اختلاف با زنان دیگر از حرمسرا خارج شده بود لذا شاه دستور داده بود تا افرادش شهر را بگردند ولی هر چه گشتند پیدایش نکردند .

صبح که دختر از خواب بیدار شد و از اتاق خارج شد ماموران شاهزاده خانم را همراه محمد باقر به نزد شاه بردند شاه عصبانی پرسید چرا شب .... به ما اطلاع ندادی و

محمد باقر گفت : شاهزاده تهدید کرد که اگر به کسی خبر دهم مرا به دست جلاد خواهد داد شاه دستور داد که تحقیق شود که آیا این جوان خطائی کرده یا نه ؟

بعد از تحقیق و اثبات پاکدامنی ، از محمد باقر پرسید چطور توانستی در برابر نفست مقاومت نمائی؟

محمد باقر 10 انگشت خود را نشان داد و شاه دید که تمام انگشتانش سوخته و ... لذا علت را پرسید،

طلبه گفت : چون او به خواب رفت، نفس اماره مرا وسوسه می نمود هر بار که نفسم وسوسه می کرد یکی از انگشتان را بر روی شعله سوزان شمع می گذاشتم تا طعم آتش جهنم را بچشم و بالاخره از سر شب تا صبح بدین وسیله با نفس مبارزه کردم و به فضل خدا ، شیطان نتوانست مرا از راه راست منحرف کند و ایمان و شخصیتم را بسوزاند.

شاه عباس از تقوا و پرهیز کاری او خوشش آمد و دستور داد همین شاهزاده را به عقد میر محمد باقر در آوردند و به او لقب میرداماد داد و امروزه تمام علم دوستان از وی به عظمت و نیکی یاد کرده و نام و یادش را گرامی می دارند. از مهمترین شاگردان وی می توان به ملاصدرا اشاره نمود .

## درباره حفظ عفاف

نباید زنها پیش پزشک مرد بروند یا پیش امپول زن مرد بروند مگر در ضرورت و مردها هم نباید پیش پزشک و امپول زن، زن بروند مگر در ضرورت.

مرد نباید همسرش را با برادرش تنها بگذارد چون اگر در نت جستجو کنید روابط نامشروع زن داداش با برادر شوهر بر اثر تنها گذاشتن این دو و گاهی منجر شدن به قتل در اخبار چندین مورد هست...

مرد باید بخودش برسد و شلخته و بدبو نباشد همانطور که امام رضا علیه السلام فرمود:

خضاب و رنگ کردن محاسن ، سودی فراوان دارد؛ از جمله آنکه همسر تو دوست دارد در تو همان زیبایی و آراستگی را ببیند که تو دوست داری در او ببینی، و زنانی [در اقوام گذشته] از دایره عفت، بیرون رفتند و فاسد شدند. و چنین نشدند، مگر به دلیل کم توجهی شوهرانشان به آراستگی خود.

## دوستان ناباب انسان را از عفاف خارج می کنند

افرادی هستند که بخاطر رفیق بد، دچار انحراف اخلاقی می شوند.

نوجوانی می گفت باشگاه می رفتم. اونجا رفیقی پیدا کردم بعد من رو به خودارضایی تشویق کرد و من الان به این عمل بد معتاد شدم...

نوجوان دیگری تو مدرسه با پسری آشنا شد و اون باعث شد که این نوجوان که از خانواده مذهبی هست از نظر اخلاقی منحرف شود

و هزاران مورد هست که نوجوانان و جوانان پاک بوسیله دوستان بد منحرف شدند و به گناهان بزرگ دست زدند و دست میزنند...

پس باید با هرکسی رفیق نشد بلکه با ادمایی که حلال و حرام سرشون میشه میتوان رفاقت نمود...

تو اخبار بود هفت تا پسر به دختر یاسوجی تجاوز کردند حالا دستگیر شدند و احتمال اعدام اونها وجود داره!

اینها رفیق هم نبودند والا رفیق جلو کار بد ادم رو میگیره نه اینکه باهم همدست بشند و این خلاف بزرگ رو مرتکب بشوند!



## رابطه عفاف با حیا

حیاء از صفاتی است که خداوند آن را دوست دارد و از روز اول همراه آدمی بوده است . کسی که حیا دارد مورد لطف خدا قرار می گیرد و کسی که حیا ندارد از رحمت الهی محروم می گردد!

ادم با حیا حتما عفاف دارد...

در روایات از امام علی (ع) آمده است ” جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت ای آدم ، من مامور شده ام که ترا در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم. پس یکی را برگزین و دو تا را واگذار. آدم گفت چیست آن سه چیز، گفت: عقل ، حیاء و دین.

آدم گفت عقل را برگزیدم. جبرئیل به حیا و دین گفت شما باز گردید و او را واگذارید. آن دو گفتند ای جبرئیل ما ماموریم هر کجا عقل باشد با او باشیم. گفت خود دانید و بالا رفت }

از باحیاترین مردم، پیامبران بوده اند مخصوصا پیامبر اعظم که گاه از کثرت حیاء، عرق شرم بر صورت و گردن ایشان ظاهر می شد.

حیاء در زنان بیش از مردان است که طبق روایتی گفته شده حیاء ده جزء دارد که یک جزء در مرد و نه جزء در زن است.

وقتی دختر به سن بلوغ رسید یک جزء از حیاء می رود. هنگامی که عروسی کرد جزء دوم هم می رود. وقتی فرزندی متولد نمود جزء سوم هم می رود. و شش جزء باقی می ماند. اگر رعایت مسائل اخلاقی و عفت و حیاء را نمود، این شش جزء باقی می ماند والا بقیه هم می رود و تبدیل به زن بی حیائی می شود.

جامعه ای که در آن حیاء رواج داشته باشد و یک ارزش به حساب بیاید، آرامش، امنیت و سلامت اخلاق در آن وجود دارد و اگر در اجتماعی همانند مردم کشورهای غربی، حیاء دیگر ارزشمند نباشد بلکه علامت عقب ماندگی باشد، با افزایش جرم و گناه و فساد اخلاق و زیاده شدن بیماریهای خطرناک مواجه می گردد.

بی حیایی در غرب!

برای اینکه بدانیم اگر در جامعه ای حیا حاکم و یک ارزش نباشد چه اتفاقی برای مردم آن جامعه می افتد سری به جوامع غربی که در آن حیا نیست می زنیم:

در فرهنگ غربی، مهمترین ارزش زن، استفاده از زیبائی زن برای امیال شهوانی و کسب درآمد برای صاحبان این زنان است. زن تا زیبا و جوان است، وظیفه ای جز استفاده جنسی برای شهوت پرستان ندارد. از او فیلمها و عکسها و تصاویر مختلف در حالتهای شیطانی تهیه کرده و به اقصی نقاط دنیا می فرستند. برای فروش کالاهای خود، عکس او ر بر روی شامپو و صابون و عریان در بوتیکهای خود و ... قرار داده و درآمد کسب می نمایند. زن زیبا حق ندارد مادری کند و تا می توان باید از بارداری خود جلو گیری کند تا بهتر بتواند از زیبائی و جسم خود برای شهوت پرستان استفاده نماید. او باید با مردان مختلف رابطه بر قرار نماید و همه تلاش خود را در جلب توجه و رضایت مردان بیگانه صرف نماید. دایره

ارتباط او محدود به یک مرد و دو مرد نیست بلکه او باید از هر راهی در اشاعه فرهنگ منحط غرب بکوشد و حتی در این راه از رابطه جنسی با حیوانات و یا با زنان دیگر بهره بگیرد.

در این فرهنگ، مادر بودن زن، تربیت فرزندان سالم و صالح، تلاش علمی و اجتماعی زن بی اهمیت است و اگر زنی بکوشد تا پاکدامنی خود را حفظ نماید، او را اُمَل و عقب مانده معرفی می کنند. پاکدامنی در این فرهنگ ضدهنر است نه هنر. زن باید در غرب در کمال بی حیائی باشد و از عریان شدن در مقابل چشمان میلیونها نفر ابایی نداشته باشد.

در این فرهنگ عبادت و حیاء و عفت و حجب و وقار و... زن جایگاهی ندارد و زن های با این صفات را فقط در داستان ها میخوانند.

در این فرهنگ خوشگذرانی مهمترین دغدغه انسان است و باید همگی در اوقات فراغت خود به خوشگذرانی که عبارت است از حضور در رقصخانه ها، قمارخانه ها، کلوپ ها و کاباره ها و سینماها و پارکهای مخصوص فساد و... بگذرانند.

از اینروست که در عصر حاضر، از یکطرف بخاطر انحراف غرب از انسانیت دچار هزاران مشکل اخلاقی و اجتماعی شده است و از طرفی هزاران زن غربی که می‌کوشند پاکدامنی خود را حفظ کنند، به دین اسلام روی آورده و با مسلمان شدن، ارزشهای انسانی خود را حفظ می‌نمایند و این مایه بغض و کینه دنیای غرب شده است. لذا قوانین سختی را نسبت به مسلمانان و کسانی که می‌خواهند با فرهنگ سالم زندگی کنند اجرا میکنند. که به عنوان مثال تلاش کشورهای اروپایی در وضع قوانین علیه حجاب را میتوان نام برد.

در جهان امروز بخاطر انقلاب صنعتی که از قرن 18 میلادی شروع شد، فرهنگ غرب حاکمیت خود را بر تمامی کشورهای جهان تحمیل نمود و آنان را از فرهنگهای خود دور نمود. از جمله در کشورهای مسلمان با جداکردن مردم از ارزشهای اسلامی و ملی خود، آنان را وادار به تبعیت از ارزشهای غربی نمود. و اگر مردم در این زمینه مقاومتی می‌نمودند، توسط عوامل غرب سرکوب می‌شدند که نمونه آن در واقعه کشف حجاب در ایران و کشتار مردم در مسجد گوهرشاد مشهد و دستگیری علماء و مخالفین کشف حجاب بود.

«زندگی غربی یک زندگی لجن آلود و فاسدی است که هیچ یک از بنیادهای اصیل بشری خانواده و شخصیت انسان، سالم نمی ماند و این چیزی است که مردم امریکا و اروپا از آن رنج می برند.» {مقام معظم رهبری }

«\*در امریکا، کودکان زودتر از معمول، بالغ می شوند و از سنین خردسالی، احساس و هیجان جنسی در ایشان زنده می شود. هیچ جای تعجب نیست که در بین طبقات مختلف حتی طبقات پولدار و باسواد، دخترانی پیدا می شوند که در سالهای هفت و هشت سالگی با کودکان هم سن و سال خو را بطة جنسی برقرار کرده و احتمالاً به فحشاء مبتلا می گردند.

به عنوان مثال دختر هفت ساله ای از یک خانواده آبرومند! بابرادر و گروهی از دوستان برادرش، مرتکب فحشاء شده بودند. پنج نفر دیگر شامل دو دختر و سه پسر گروه فحشاء را تشکیل داده و کودکان دیگر را به این کار وادار می کردند در حالیکه بزرگترین آنها ده ساله بود. دختر

دیگری که نه سال داشت، خود را بسیار خوشبخت می دانست زیرا در این سن و سال، معشوقه چندین نفر شده بود!\*

یکی از مجلات آمریکائی نوشته است:

\*سه عامل شیطانی وجود دارد که دنیای امروز ما را فرا گرفته و در افروختن آتش برای ساکنین زمین مؤثرند.

عامل اول ادبیات بی آبرو و دور از عفت است که بعد از جنگ جهانی با تمام وقاحت و بی عفتی و بی آبرویی بشکل عجیب و غریبی ترویج شد و دنیا را فرا گرفت!

عامل دوم فیلمهای سینمایی است که نه تنها غریزه شهوانی حیوانی را تیز می کند بلکه در این خصوص، دروس علمی و عملی را برایشان تلقین می نماید

عامل سوم پایین آمدن سطح اخلاق زنان است که در لباس، برهنگی، اعتیاد و اختلاط بدون قید و شرطشان با مردان بصورت آشکاری بچشم می خورد. این مفاسد سه گانه بمرور زمان رو به ازدیاد است و آخرین نتیجه آن زوال تمدن و از بین رفتن مسیحیت است که اگر ما امروز از طغیان

انها جلوگیری نکنیم، بطور حتم تاریخ رومیها و کسانیکه به پیروی از شهوت و غریزه جنسی رهسپار عدم گردیدند برای ما هم تکرار می شود زیرا آنها هم مانند ما در شراب، زن، رقص و موسیقی و لهو و لعب غرق شده بودند.\*

در این جامعه دیگر زن با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت و تهذیب و حجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن و قانع بودن به همسر خود، نشانه بی تمدنی! و بی فرهنگی و عدم پیشرفت بحساب می آید!

در غرب، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه های جنسی بکار گرفته شده در فیلمهای سینمایی، تأثیرها و موسیقی ها و داستانهای فاسد، زن را عریانتر و برهنه تر معرفی بکند و بدینوسیله مشتری های بیشتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که فلان فیلم اینقدر فروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور ملت های غربی و حضور بی قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیداشدن آثار مخرب است که نصیب این ملتها شده است.



فساد نظام خانوادگی، افزایش آمار طلاق (یکی از دانشمندان فرانسه که چندبار هم به وزارت رسیده بود، زنش را پنج ساعت بعد از ازدواج، طلاق داد!)، تعداد کم ازدواج (در فرانسه از هر هزار نفر هفت یا هشت نفر ازدواج می کنند) کثرت فرزندان نامشروع (در انگلستان از هر سه کودک یک نفر نامشروع است) (نصف کودکان اطریش، نامشروع هستند)، کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال (در فرانسه دادگاه زنی را که طفلش را خفه کرده بود و چون طفل هنوز نفس می کشید سراورا بدیوار کوبیده بود و کشته بود، مجرم ندانست همچنین رقاصه ای که می خواست زبان کودکش را از حلقش درآورد لذا سر طفلش را زخمی کرده و شاهرگش را قطع نموده و او را کشته بود، مجرم شناخته نشد!) افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی دارد)، کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه و بی اعتمادی بهم و مردن فضیلت های اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم، از بین رفتن عاطفه و محبت، شورش و طغیان مردم، احساس پوچی در بین اکثر جوانان و... همه از معضلات جوامع غربی می باشند.» کتاب حجاب

مؤلف کتب تاریخ فحشاء، آقای جورج راثیلی اسکات انگلیسی می نوبسد:

مرتکب شدن به فسق و فجور و ولگردی در خیابانها و عدم عفت برای  
دوشیزه امروزی از جمله وسایل زندگی تجملی بشمار می رود. استعمال  
مواد مخدر، و شرابهای ترش مزه، رنگ کردن ناخن و لبها به رنگ  
سرخ، مهارت داشتن در مورد مسائل جنسی و تدابیر ضد بارداری و سخن از  
فحشاء نیز از جمله ضروریات امروزی شدن و پیشرفت زندگی تجملی  
محسوب می شود. تا الان هم تعداد زنانی که پیش از ازدواج، روابط جنسی  
دارند رو به ازدیاد و افزایش است و آنرا هیچ عیب و گناهی نمی دانند  
و وجود دختران باکره در هنگام عقد ازدواج در کلیسا بسیار نادر و کمیاب  
است.

بزرگترین عامل این بی بند و باری در مسائل جنسی، اشتغال زنان به  
کارهای تجاری و اداری و کارهای مختلف دیگر است که بهترین وسیله  
و فرصت برای اختلاط مردان و زنان است. و باعث شده که قوه دفاعی زن  
در مقابل تجاوز مرد، کم و نابود شده و روابط شهوانی بین زن و مرد از هر  
قید اخلاقی آزاد گردد. در این حال لذت زندگی در نزد دوشیزگان این

است که مرد جام لذت و تمتع را به وی تقدیم کند و لذا بدنبال این لذتها به رقص خانه ها، کلوپهای شبانه، هتلها و قهوه خانه هاسر می زند تا بتواند مرد بیگانه ای را که صاحب ماشین و ثروت است، شکار کند! به این ترتیب او خود را با رضا و رغبت فراوان در محیط و اوضاعی می اندازد که تمایلات جنسی را مشتعل تر می کند و نه تنها از عواقب آن ترسی ندارد بلکه آن را باشادی و آغوش باز استقبال می کند»

این است وضع زنان در غرب که دیگر آثاری از فضیلت‌های اخلاقی و عفت و حیا و شرم و حجاب در زنان (مگر در افراد کمی) دیده نمی شود و همه در این مسابقه خطرناک برهنگی و بی حیائی شرکت کرده اند و عاقبت به عواقب خطرناک و نابودکننده آن دچار می شوند { کتاب حجاب }

نظر یکی از دانشمندان غربی درباره روابط نامشروع!

دنیای فرنگ ابتدا در این حد می گفت که زنا در غیر مورد مرد زن دار و زن شوهر دار جرم نیست، راسل می گوید مگر اینکه یک جراحی وارد کند، اگر جراحی وارد نکند عیب و اشکالی ندارد. کم کم به اینجا رسیدند که برتراند راسل صریحا می گوید برای زن شوهردار و مرد زن دار هم هیچ مانعی نیست، چه اشکالی دارد که یک زن

شوهر دار هم رفیق داشته باشد و عشقش در جایی باشد، هم همسر داشته باشد و هم معشوق؟ عشقش را با او انجام دهد و بچه را در خانه این بیاورد، ولی تعهد بسپارد وقتی با معشوقش عشقبازی می کند از وسایل جلوگیری از بچه دار شدن استفاده کند.

مگر خود راسل این حرف را باور کند! و الا هیچ آدم عاقلی باور نمی کند که زنی مردی را دوست داشته باشد، عشقش با یک مرد باشد ولی همسر یک شوهر باشد و فقط متعهد شده باشد که برای شوهر خود بچه بیاورد. هر زنی دلش می خواهد که بچه ای که می زاید و بچه ای که جلوی چشمش است یادگار آن آدمی باشد که او را دوست دارد، نه یادگار آدمی که از او تنفر دارد. آنوقت چه تضمینی هست که از مردی که او را دوست دارد آبستن نشود و بچه به ریش شوهرش نبندد؟!

حمام آفتاب!

انگلستان چون کشوری بارانی است وقتی بعضی وقتها آفتابی می شود بعضی از مردم لخت مادرزاد کنار پیاده رو دراز می کشند و حرفشان این است که می خواهیم آفتاب به بدن ما بخورد!

و این فرهنگ بی حیائی است.

